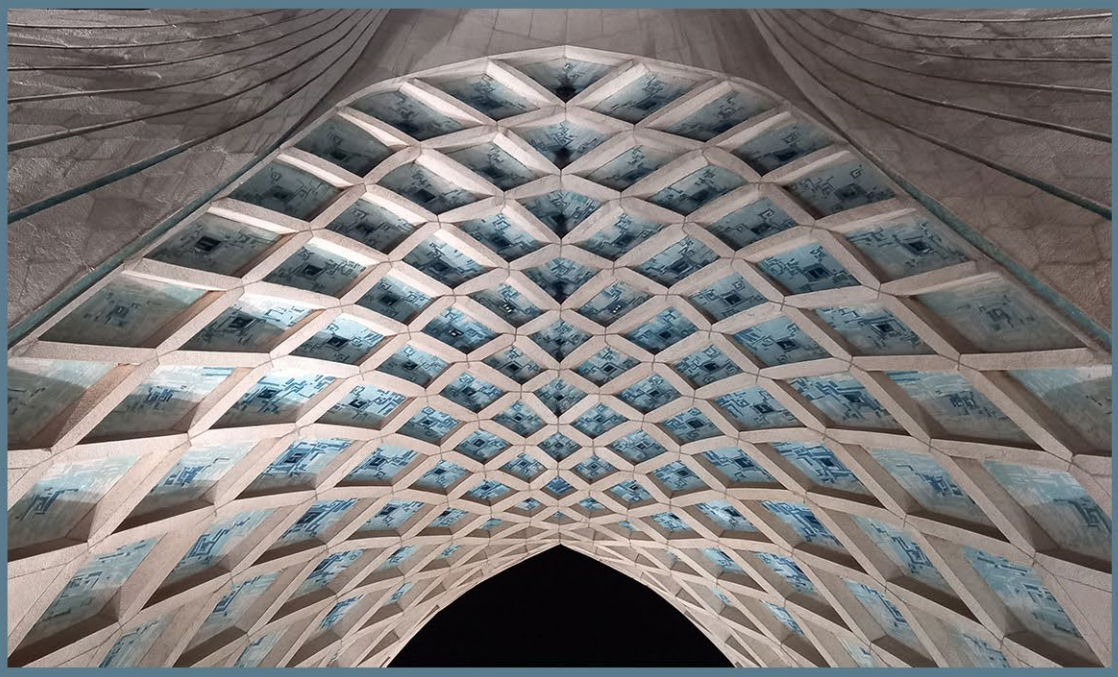
مطالعات معماری ایران ۲۹

دوفصلنامه علمی دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

سال پانزدهم، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۴۰۵



◆ تاریخ‌شناسی معماری مسجد جامع آمل و نسبت آن با شهر در سده‌های نخست هجری
● ذات‌الله نیک‌زاد

◆ بازتعریف محدودهٔ قیصریه در بازار کاشان و شکل‌گیری یک مرکز جدید شهری در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه
● یاسمن صفیان/ حمیدرضا جیحانی/ سید محمود سادات

◆ سنجش ارزش‌های قلعه‌رودخان به‌عنوان میراث جهانی از منظر منشور ایکوفورت و دستورالعمل اجرایی کنوانسیون میراث جهانی
● ابوذر جانعلی‌پور/ پیروز حناچی/ محمدحسن طالبیان

◆ بهبود حد نهایی پایداری جانبی سازهٔ یک دهانهٔ متشکل از طاق‌آهنگ بر روی پایه در صفحهٔ قوس
● فرزین ایزدپناه

◆ ارزیابی عملکرد پوستهٔ مشبک آجری در کنترل تابش و نور در اقلیم گرم و نیمه‌خشک دزفول
● کلثوم کامکار/ کورش مؤمنی/ اکبر موسی ئی جو

◆ از باغ به میدان: ظهور نرده و آشکار شدن فضای سلطنتی در شهر عصر ناصری
● کاوه رشیدزاده/ گلنار حکمت

◆ بررسی هندسی جلوه‌های گره‌چینی در نمونه‌های تاریخی ایران به روش الگوریتمی
● مهدی عزیزی همدانی/ مجتبی ثابت‌فرد

◆ ابعاد و ویژگی‌های مفهومی استدلال حدسی در عمل طراحی
● علی قریشوندی ابراکی/ علی علائی/ کیوان جورابچی/ سعید نوروزیان ملکی

◆ نقش پیکره‌بندی فضا در ایجاد اجتماع‌پذیری مراکز تجاری شهر اصفهان با مقیاس اجتماعی
● مریم گروهی/ نرگس دهقان/ منصوره کیان‌ارثی/ سمیه رفیعی

◆ ارزیابی پراگماتیک: فرصتی برای اصلاح سیاست‌ها و رویه‌های مداخله در محدوده‌های هدف (مورد انضمامی: سندملی بازآفرینی)
● مرتضی‌هادی جابری‌مقدم/ شیما سقندلی

◆ از رویدادسازی تا شخصیت‌پردازی موزه‌یادمان‌ها
● فائزه تفرشی/ منوچهر معظمی/ نیکلاس وایز

◆ اثر حذف درختان کهن‌سال در معماری معابر ایلام بر تغییر آسایش حرارتی عابران براساس دینامیک سیالات محاسباتی CFD
● کارن فتاحی/ نسرین سیاوش

مطالعات معماری ایران

دوفصلنامه علمی دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان

سال پانزدهم، شماره ۲۹، بهار و تابستان ۱۴۰۵
صاحب امتیاز: دانشگاه کاشان
مدیر مسئول: دکتر علی عمرانی‌پور
سردبیر: دکتر غلامحسین معماریان
مدیر داخلی: دکتر بابک عالمی

هیئت تحریریه (به‌ترتیب الفبا):
دکتر عباس اکبری. دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر حمیدرضا جیحانی. دانشیار دانشگاه شهید بهشتی
دکتر پیروز حناچی. استاد دانشگاه تهران
دکتر شاهین حیدری. استاد دانشگاه تهران
دکتر مارکوس ریتر. استاد دانشگاه وین
دکتر محمدصادق طاهر طلوع دل. دانشیار دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
دکتر بابک عالمی، دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر علی عبد الرئوف. استاد دانشگاه حمد بن خلیفه قطر
دکتر علی عمرانی‌پور. دانشیار دانشگاه کاشان
دکتر فاطمه کاتب. استاد دانشگاه الزهرا (س)
دکتر حسین کلانتری. استاد جهاد دانشگاهی
دکتر اصغر محمد مرادی. استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر غلامحسین معماریان. استاد دانشگاه علم و صنعت ایران
دکتر محسن نیازی. استاد دانشگاه کاشان

درجه علمی پژوهشی دوفصلنامه مطالعات معماری ایران طی نامه شماره ۱۶۱۶۷۶ مورخ ۱۳۹۰/۰۸/۲۱ دبیرخانه کمیسیون نشریات علمی کشور، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ گردیده است.

پروانه انتشار این نشریه به شماره ۹۰/۲۳۰۳۰ مورخ ۹۱/۹/۷ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر شده است.

این نشریه حاصل همکاری مشترک علمی دانشگاه کاشان با دانشکده معماری دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت مدرس، دانشگاه الزهرا (س)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه شهید رجایی، پژوهشکده فرهنگ، هنر و معماری جهاد دانشگاهی و انجمن علمی انرژی ایران است.

نشریه مطالعات معماری ایران در پایگاه استنادی علوم کشورهای اسلامی (ISC)، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، پایگاه مجلات تخصصی نور (noormags.ir)، پرتال جامع علوم انسانی (ensani.ir) و بانک اطلاعات نشریات کشور (magiran.com) نمایه می‌شود.

تصاویر بدون استناد در هر مقاله، متعلق به نویسنده آن مقاله است.

(نسخه الکترونیکی مقاله‌های این مجله، با تصاویر رنگی در تارنمای نشریه قابل دریافت است.)

عکس روی جلد: علی عمرانی‌پور
(بنای میدان آزادی)

ویراستار ادبی فارسی: معصومه عدالت‌پور
همکار اجرایی: فائزه تفرشی

دورنگار: ۵۵۹۱۳۱۳۲-۰۳۱

نشانی دفتر نشریه: کاشان، بلوار قطب راوندی، دانشگاه کاشان، دانشکده معماری و هنر، کدپستی: ۵۳۱۵۳-۸۷۳۱۷

رایانامه: j.ir.arch.s@gmail.com
پایگاه اینترنتی: jias.kashanu.ac.ir

شاپای الکترونیکی: ۵۰۲۰-۲۶۷۶

فهرست

۵ **تاریخ‌شناسی معماری مسجد جامع آمل و نسبت آن با شهر در سده‌های نخست هجری**
ذات‌الله نیک‌زاد

۲۵ **بازتعریف محدودهٔ قیصریه در بازار کاشان و شکل‌گیری یک مرکز جدید شهری در نیمهٔ دوم دورهٔ قاجاریه**
یاسمن صفیان/ حمیدرضا جیحانی/ سید محمود سادات

۵۷ **سنجش ارزش‌های قلعه‌رودخان به‌عنوان میراث جهانی از منظر منشور ایکوفورت و دستورالعمل اجرایی کنوانسیون میراث جهانی**
ابوذر جانعلی‌پور/ پیروز حناچی/ محمدحسن طالبیان

۸۵ **بهبود حد نهایی پایداری جانبی سازهٔ یک دهانهٔ متشکل از طاق‌آهنگ بر روی پایه در صفحهٔ قوس**
فرزین ایزدپناه

۱۰۹ **ارزیابی عملکرد پوستهٔ مشبک آجری در کنترل تابش و نور در اقلیم گرم و نیمه‌خشک دزفول**
کلثوم کامکار/ کورش مؤمنی/ اکبر موسی ئی جو

۱۳۷ **از باغ به میدان: ظهور نرده و آشکار شدن فضای سلطنتی در شهر عصر ناصری**
کاوه رشیدزاده/ گلنار حکمت

۱۶۱ **بررسی هندسی جلوه‌های گره‌چینی در نمونه‌های تاریخی ایران به روش الگوریتمی**
مهدی عزیزی همدانی/ مجتبی ثابت‌فرد

۱۷۹ **ابعاد و ویژگی‌های مفهومی استدلال حدسی در عمل طراحی**
علی قریشوندی آبراکی/ علی علائی/ کیوان جورابچی/ سعید نوروزیان ملکی

۲۰۵ **نقش پیکره‌بندی فضا در ایجاد اجتماع‌پذیری مراکز تجاری شهر اصفهان با مقیاس اجتماعی**
مریم گروهی/ نرگس دهقان/ منصوره کیان‌ارثی/ سمیه رفیعی

۲۲۹ **ارزیابی پراگماتیک: فرصتی برای اصلاح سیاست‌ها و رویه‌های مداخله در محدوده‌های هدف (مورد انضمامی: سندملی بازآفرینی)**
مرتضی‌هادی جابری‌مقدم/ شیما سقندلی

۲۵۳ **از رویدادسازی تا شخصیت‌پردازی موزه‌یادمان‌ها**
فائزه تفرشی/ منوچهر معظمی/ نیکلاس وایز

۲۷۳ **اثر حذف درختان کهن‌سال در معماری معابر ایلام بر تغییر آسایش حرارتی عابران براساس دینامیک سیالات محاسباتی CFD**
کارن فتاحی/ نسرین سیاوش

۲۹۵ **بخش انگلیسی**

سنجش ارزش‌های قلعه‌رودخان به‌عنوان میراث جهانی از منظر منشور ایکوفورت و دستورالعمل اجرایی کنوانسیون میراث جهانی*

علمی‌پژوهشی

ابوذر جانعلی‌پور**
پیروز حناچی***
محمدحسن طالبیان****

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۲/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۶/۱۸

چکیده

سنجش و ارزیابی ارزش‌ها از مفاهیم بنیادین حفاظت میراث‌فرهنگی است که همواره در بستری تکاملی تحول یافته و هنوز چارچوب واحدی برای تعریف جامع آن‌ها وجود ندارد. قلعه‌رودخان به‌عنوان یکی از مجموعه‌های تاریخی شاخص کشور، متناسب با منزلت خود، شناخته نشده و درنتیجه، ارزش‌های آن به‌صورت نظام‌مند، شناسایی و ارزیابی نشده‌اند. این پژوهش به شناخت و ارزیابی ارزش‌های قلعه‌رودخان از منظر منشور ایکوفورت و دستورالعمل اجرایی کنوانسیون میراث جهانی می‌پردازد و در پی پاسخ به این پرسش‌هاست که ارزش‌های قلعه‌رودخان در چارچوب معیارهای هشت‌گانه منشور ایکوفورت کدام‌اند و این ارزش‌ها تا چه میزان قابلیت انطباق با معیارهای فرهنگی ثبت جهانی یونسکو و طرح به‌عنوان ارزش برجستهٔ جهانی را دارند. پژوهش حاضر با رویکرد کیفی، روش تفسیری ـ تاریخی و استدلال منطقی و بر پایهٔ مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای سامان یافته است. یافته‌های حاصل از تطبیق لایه‌های ارزشی هشت‌گانهٔ ایکوفورت با معیارهای فرهنگی ثبت جهانی نشان می‌دهند که ارزش‌های معماری و فنی در قلعه‌رودخان، بیشترین هم‌پوشانی را با معیارهای ۱، ۳، ۴ و ۵ کنوانسیون میراث جهانی دارند و ارزش منظر فرهنگی نیز در پیوند با معیار ۵ در سطح بالا، قابلیت طرح دارد. درحالی‌که ارزش‌های راهبردی در سطحی متوسط با معیارهای ۱، ۳ و ۵ و ارزش‌های انسانی ـ انسان‌شناختی، حافظه و هویت، تاریخی و اجتماعی ـ اقتصادی در مقیاس ملی و منطقه‌ای، قابل توجیه هستند. درنتیجه، ارزش‌های برجستهٔ قلعه‌رودخان، واجد ویژگی‌های لازم برای پرونده‌سازی ثبت جهانی بر پایهٔ تلفیق ارزش‌های فناورانه، نبوغ پدافندی و تعامل ارگانیک با بستر طبیعی محسوب می‌شوند.

کلیدواژه‌ها:

قلعه‌رودخان، منشور ایکوفورت، ارزش برجستهٔ جهانی، میراث جهانی.

مطالعات معماری ایران
دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۹ ـ بهار و تابستان ۱۴۰۵
صفحات ۸۴-۵۷ ۵۷

* مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامهٔ کارشناسی‌ارشد نگارندهٔ اول در دانشگاه تهران با عنوان *پلان جامع حفاظت قلعه‌رودخان با تکیه بر ارزش‌های برجستهٔ اثر است* که به راهنمایی نگارندگان دوم و سوم تدوین شده است.

** دانشجوی دکتری مرمت و احیای ابنیه و بافت‌های تاریخی، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، نویسنده مسئول، aboozarjanalipoor@ut.ac.ir
*** استاد، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران
**** استاد، دانشکدگان هنرهای زیبا، دانشگاه تهران

پرسش‌های پژوهش

۱. ارزش‌های میراثی قلعه‌رودخان در چارچوب گونه‌شناسی هشت‌گانهٔ منشور بین‌المللی میراث نظامی و استحکامات (ایکوفورت) کدام‌اند و واجد چه مؤلفه‌هایی هستند؟

۲. کدام‌یک از ارزش‌های شناسایی‌شده، از انطباق و ظرفیت بالاتری برای احراز معیارهای ده‌گانهٔ ارزش برجستهٔ جهانی (OUV) براساس دستورالعمل اجرایی کنوانسیون میراث جهانی برخوردارند؟

مقدمه

درک مفهوم ارزش در میراث‌فرهنگی، یکی از ارکان اساسی در نظریه‌پردازی‌های حوزهٔ حفاظت و مرمت به شمار می‌رود؛ مفهومی که در بستر زمان و تحت‌تأثیر شرایط طبیعی و تحولات اجتماعی، همواره در حال دگرگونی بوده و ارزیابی آن نیز فرایندی نسبی و پویا محسوب می‌شود. آبه هانری گریگوار[۱] که توجه خود را معطوف به دلایل آموزشی دخیل در حفاظت از میراث‌فرهنگی کرده، معتقد بود: «مخاطب بایستی ارزش یک اثر را درک کند تا بتواند از آن صیانت نماید» (یوکیلهتو ۱۳۸۷، ۸۰). جامعه هنگامی مقوله‌ای را مورد توجه و حفاظت ویژه قرار می‌دهد که ارزشمند بودن آن اثبات‌پذیر و دارای شفافیت لازم باشد. در این راستا درک، شناخت و برجسته‌سازی ارزش‌های یک اثر برای جامعه، در کنار ایجاد ارتباطی آگاهانه و احترام‌آمیز میان جامعه و اثر، به ارتقای وضعیت حفاظت می‌انجامد. به بیان دیگر، شناخت ارزش‌های برجستهٔ یک اثر را می‌توان بخش بنیادین فرایند حفاظت، مدیریت پایدار و انتقال معنا و اهمیت آن به نسل‌های آینده دانست؛ هرچند تحقق این اهداف، افزون بر شناسایی ارزش‌ها، به عوامل مکملی همچون توانمندی اقتصادی، ظرفیت‌های فنی، ارادهٔ جمعی، نظام مدیریتی کارآمد و رویکرد حفاظت‌محور نیز وابسته است.

درصورتی‌که این ارزش‌ها در چارچوب معیارهای میراث جهانی یونسکو نیز توجیه‌پذیر باشند، جایگاه و اهمیت اثر از سطح ملی و منطقه‌ای به سطحی بین‌المللی ارتقا یافته و به‌عنوان بخشی از میراث مشترک بشریت، واجد جایگاهی علمی و فرهنگی تثبیت‌شده خواهد شد. در کنار شناخت ارزش‌های میراث‌فرهنگی، دسته‌بندی و ارزیابی آن‌ها نیز یکی از چالش‌های بنیادین مبانی نظری در ادبیات حفاظت میراث‌فرهنگی جهان است؛ به‌گونه‌ای که صاحب‌نظران شاخص این حوزه و اسناد و منشورهای متعددی، کانون پژوهش‌ها و متون خود را به این مفاهیم اختصاص داده‌اند. از مهم‌ترین اسناد مرتبط با شناخت و ارزیابی ارزش‌ها می‌توان به کنوانسیون میراث جهانی اشاره کرد که ثبت جهانی آثار را بر پایهٔ «ارزش برجستهٔ جهانی»[۲] استوار ساخته است. در این میان، ساختارهای دفاعی ـ نظامی تاریخی از قبیل قلعه‌ها، به‌دلیل وجوه ارزشمند تاریخی، معماری، فنی، پدافندی و سرزمینی، همواره جایگاهی ویژه در مباحث کنوانسیون داشته‌اند.

با توجه به اهمیت راهبردی این دسته از آثار، ایکوموس در دو دههٔ اخیر توجهی ساختارمند به این مواریث داشته و ضمن تأسیس کمیتهٔ بین‌المللی ایکوفورت در سال ۲۰۰۵ میلادی، نسبت به تدوین و تصویب «منشور ایکوفورت» (۲۰۲۱) به‌عنوان یک سند راهبردی تخصصی اقدام نموده است. هدف این منشور، ارائهٔ چارچوبی جامع برای شناسایی، حفاظت، مدیریت و ارزش‌گذاری بناها و محوطه‌های دفاعی تاریخی با رویکرد ارزش‌مبناست؛ به‌طوری‌که ضمن تأکید بر ضرورت شناخت ارزش‌ها و نقش تعیین‌کنندهٔ آن در تدوین طرح حفاظت اثر، دسته‌بندی منسجمی از لایه‌های هشت‌گانهٔ ارزشی این آثار ارائه می‌دهد. براساس تأکیدات این منشور، شناخت ارزش‌ها توسط تیمی متخصص، گام نخستین و حیاتی در تدوین راهبردهای حفاظتی محسوب می‌شود.

با وجود این، یکی از شاخص‌ترین مواریث تاریخی کشور که تاکنون از منظر سنجش نظام‌مند ارزش‌ها کمتر مورد واکاوی قرار گرفته، مجموعهٔ تاریخی قلعه‌رودخان در استان گیلان است. ثبت این اثر در سال ۱۳۵۴ش در فهرست آثار ملی ایران، گواه ارزشمندی آن در مقیاس ملی است. این مجموعه با قدمتی حدوداً هزارساله، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین دژهای کوهستانی ایران با معماری بومی آجر و سنگ در بستر متراکم جنگل‌های هیرکانی، برخورداری از سامانه‌های پدافندی کارآمد، مسیرهای دسترسی صعب‌العبور و تنوع بقایای کالبدی و باستان‌شناختی، از ظرفیت‌های

کم‌نظیری برخوردار است. بااین‌حال، تاکنون پژوهشی تحلیلی که به تبیین و سنجش ساختاریافته ارزش‌های کیفی اثر بپردازد انجام نشده و شناسایی ارزش‌های جهانی قلعه‌رودخان مستلزم مطالعه‌ای جامع و مبتنی‌بر اسناد تخصصی بین‌المللی است.

هدف پژوهش حاضر، شناخت، دسته‌بندی و ارزیابی ارزش‌های فراملی قلعه‌رودخان بر پایهٔ هم‌نشینی دو سند کلیدی است: نخست، بهره‌گیری از چارچوب مؤلفه‌های هشت‌گانه منشور ایکوفورت برای استخراج و طبقه‌بندی ارزش‌های کالبدی، منظرین، پدافندی و معنایی اثر؛ و سپس، ارزیابی قابلیت انطباق این ارزش‌ها با معیارهای فرهنگی کنوانسیون میراث جهانی (معیارهای ۱ تا ۶) جهت امکان‌سنجی طرح آن به‌عنوان ارزش برجستهٔ جهانی.

اهمیت این پژوهش ازآن‌روست که تبیین نظام‌مند ارزش‌های قلعه‌رودخان، افزون بر سنجش قابلیت طرح آن در فهرست میراث جهانی، مبنایی علمی و عملی برای اولویت‌بندی مداخلات حفاظتی، هدایت طرح‌های مرمتی، تقویت چارچوب مدیریت یکپارچه و مستندسازی اصالت و تمامیت این مجموعه تاریخی فراهم می‌آورد. هراندازه هم‌پوشانی و انطباق میان ارزش‌های تبیین‌شدهٔ قلعه‌رودخان و معیارهای جهانی یونسکو مستدل‌تر باشد، بستر نظری و توجیهی استوارتری برای تدوین پروندهٔ نامزدی این قلعهٔ تاریخی در فهرست میراث جهانی فراهم خواهد آمد.

۱. پیشینهٔ پژوهش

پژوهش حاضر در بخش نظری، به تبیین مفهوم میراث نظامی و استحکامات دفاعی در پرتو منشور بین‌المللی ایکوفورت (ICOFORT) و معیارهای ثبت در فهرست میراث جهانی یونسکو می‌پردازد و در بخش کاربردی، مجموعه تاریخی قلعه‌رودخان را به‌منظور سنجش این معیارها مد نظر قرار می‌دهد. ازاین‌رو، پیشینهٔ پژوهش بر دو محورِ مطالعات پیشین پیرامون این اثر تاریخی و مبانی نظری حفاظت از میراث نظامی متمرکز شده است. با توجه به نوپا بودن اَدبیات تخصصی حفاظت از میراث پدافندی و نظامی در ایران، پژوهش‌های محدودی با این رویکرد به انجام رسیده است.

از پژوهش‌های انجام‌شده در این حوزه می‌توان به «مجموعه مقالات نخستین کنفرانس بین‌المللی استحکامات و میراث جهانی، دهلی نو» (۲۰۱۵م) حاوی چهارده عنوان پژوهش اشاره کرد که بیشتر به معرفی و بررسی ساختارهای دفاعی تاریخی کشورهای مختلف پرداخته و به‌طور مستقیم به مقولهٔ ارزش‌گذاری در میراث معماری نظامی ورود نکرده است. دو وان چو[۳] (۲۰۲۴) با محور قراردادن چارچوب‌های منشور ایکوفورت، تفسیری از شاخصه‌ها و ارزش‌های منعکس‌کنندهٔ اصالت عملکردی استحکامات و میراث نظامی ارائه می‌دهد. رودنیکا بوگوش[۴] (۲۰۲۲) در پژوهش خود، ارزشیابی مجدد مجموعه‌های پسانظامی را فرایندی چندلایه دانسته که مستلزم درک عمیق اهمیت تاریخی و فرهنگی سایت است؛ وی تأکید می‌کند اقدامات حفاظتی نباید صرفاً به جنبه‌های اقتصادی محدود شود، بلکه باید بر پایداری فرهنگی تمرکز کرده و کاربری‌هایی برگزیده شود که ارزش‌های آموزشی سایت را حفظ نموده و آن را به خاطرهٔ مکان تبدیل و به آینده منتقل سازد. کلوپش[۵] (۲۰۰۸) نیز ضمن معرفی نمونه‌های میراث نظامی، بر اهمیت و ضرورت حفاظت یکپارچه از ارزش‌های ملموس و ناملموس این‌گونه آثار برای نسل‌های امروز و فردا تأکید دارد.

درزمینهٔ گونه‌شناسی و سازمان فضایی قلعه‌ها، غوریانی و همکاران (۱۴۰۴) در پژوهشی با عنوان «گونه‌شناسی معماری قلعه‌های تاریخی مسکون ایران»، به تحلیل ساختار کالبدی و فضایی قلعه‌های مسکونی در سه مقیاس شهری، محله‌ای و تک‌بنا پرداخته و گونه‌های نه‌گانهٔ زیستگاهی ـ دفاعی را تدوین نموده‌اند که با ماهیت دژهای کوهستانی و پدافندی محض متفاوت است. درزمینهٔ انطباق با اسناد بین‌المللی در داخل کشور، زانیچ‌خواه (۱۴۰۱) در رسالهٔ دکتری خود با عنوان *ارزش‌های ملموس و ناملموس در میراث نظامی شهری؛ با تأکید بر حفاظت از ارزش‌های پادگان ۰۶ در باغ تاریخی سلطنت‌آباد تهران*، با محوریت منشور ایکوفورت، به شناسایی و خواناسازی ارزش‌های ملموس و ناملموس این اثر و تدوین رویکردهای حفاظت و تجدید حیات آن پرداخته است. زانیچ‌خواه و رازقی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه ارزش‌های میراث نظامی در حفاظت و گردشگری مجموعهٔ قزاقخانه و میدان مشق تهران از دیدگاه دانشجویان دانشگاه هنر در پردیس باغ ملی» نیز با توجه به منشور ایکوفورت، ارتقای آگاهی ذی‌نفعان از ارزش‌های متنوع میراث

نظامی را گامی مؤثر در حفاظت و گردشگری پایدار دانسته‌اند. همین مؤلفان (زانیچ‌خواه و رازقی ۱۴۰۴) در پژوهشی دیگر، به تحلیل تجارب بین‌المللی مداخلات حفاظتی بر مبنای معیارهای ایکوفورت و ایکوموس پرداخته و بر لزوم برشمردن ارزش‌های ملموس و ناملموس با رویکردی کل‌نگر تأکید کرده‌اند.

در محور دوم، پیرامون مجموعهٔ تاریخی قلعه‌رودخان، اسناد، تصاویر، سفرنامه‌ها و نقشه‌های تاریخی ازجمله *گزارش‌های عبدالفتاح فومنی گیلانی* و *سفرنامهٔ یاسنت لویی رابینو* (۱۹۱۷/ ۱۳۵۲) از منابع اصیل اولیه به شمار می‌روند. ستوده (۱۳۴۹) در جلد اول کتاب *از آستارا تا اِستاراباد* نیز اشارات درخور توجهی به موقعیت و کالبد قلعه‌رودخان داشته است. به‌طور خاص، مطالعات کالبدی مستقیم در دهه‌های اخیر توسعه یافته است؛ ازجمله مطالعات مهندسین مشاور عرصه (۱۳۸۳)، گزارش صادقی‌نژاد (۱۳۷۹) و کتاب *معماری و تاریخچهٔ دژ رودخان* (صادقی‌نژاد ۱۳۸۸). همچنین اصغریان‌جدی (۱۳۹۳) در پایان‌نامهٔ خود با موضوع *بازشناسی معماری قلعه‌رودخان با تکیه بر طرح استقرار از منظر پدافند غیرعامل*، بر چگونگی استقرار کالبدی و ارزش‌های پدافندی اثر متمرکز بوده است. پارسی (۱۳۸۳) نیز ضمن معرفی قلعه‌رودخان به‌عنوان نمونهٔ شاخص محیط‌های تاریخی ـ طبیعی، بر ارزش‌های ویژهٔ این‌گونه آثار تأکید کرده است؛ بااین‌حال، عمده مطالعات پیشین بر جنبه‌های توصیفی، تاریخی و کالبدی متمرکز بوده و تاکنون پژوهشی با رویکردی جامع بر پایهٔ معیارهای مندرج در منشورهای تخصصی نظامی (ایکوفورت) و کنوانسیون میراث جهانی (یونسکو) به سنجش و ارزیابی لایه‌های ارزشی قلعه‌رودخان نپرداخته است. ازاین‌رو پژوهش حاضر تلاش دارد با پر کردن این خلأ، به خوانش همه‌جانبه و ارزیابی ارزش‌های این مجموعهٔ تاریخی بپردازد.

۲. روش پژوهش

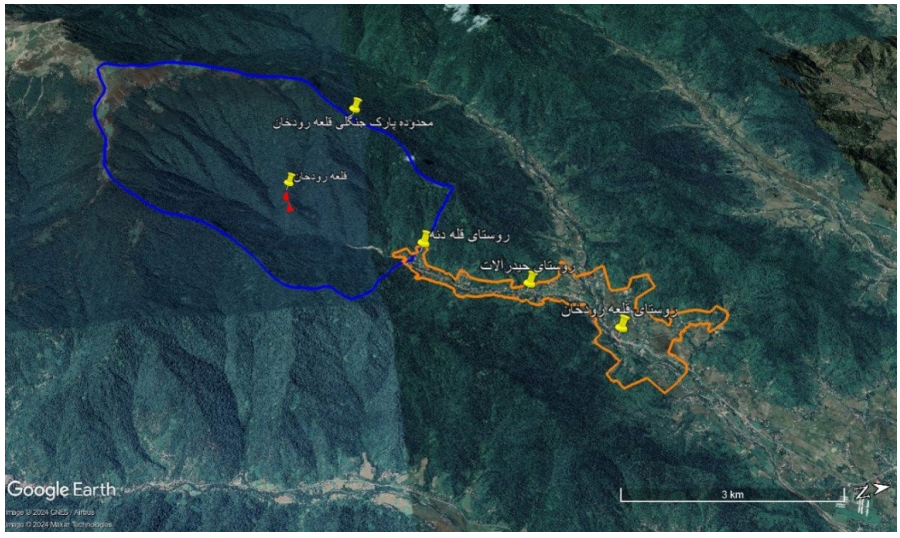
پژوهش حاضر از منظر هدف، کاربردی و از حیث ماهیت و روش، در زمرهٔ پژوهش‌های کیفی با رویکرد توصیفی‌تحلیلی قرار دارد. با توجه به ماهیت چندبعدی موضوع و لزوم ارزش‌گذاری اثر بر پایهٔ اسناد و چارچوب‌های بالادستی، از دو راهبرد پژوهشی تفسیری ـ تاریخی به‌منظور شناخت سازمان فضایی، ویژگی‌های کالبدی، بسترهای پدافندی و پیشینهٔ استقرار قلعه‌رودخان و راهبرد استدلال منطقی برای سنجش تطبیقی و تحلیل محتوای هم‌پوشانی میان ارزش‌های هشت‌گانهٔ منشور ایکوفورت و معیارهای ده‌گانهٔ کنوانسیون میراث جهانی (به‌ویژه معیارهای فرهنگی شش‌گانه) استفاده شده است.

داده‌های پژوهش ازطریق دو شیوهٔ هم‌افزای مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای شامل بازخوانی اسناد و متون تاریخی، تحلیل نقشه‌ها و گزارش‌های فنی ـ باستان‌شناختی و بررسی منشورها و اسناد بالادستی بین‌المللی و پیمایش و مشاهدات مستقیم میدانی، گردآوری شده‌اند.

فرایند اجرای پژوهش در سه گام متوالی صورت پذیرفته است: در گام نخست، ویژگی‌های کالبدی و پدافندی قلعه‌رودخان شناسایی و تدوین گردید؛ در گام دوم، با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی، مؤلفه‌های هشت‌گانهٔ منشور ایکوفورت و معیارهای فرهنگی کنوانسیون میراث جهانی به‌عنوان چارچوب ارزیابی استخراج شدند؛ در گام نهایی، شواهد و ویژگی‌های کالبدی و معنایی قلعه‌رودخان در قالب لایه‌های هشت‌گانهٔ ایکوفورت تبیین شد و قابلیت احراز ارزش برجستهٔ جهانی این مجموعهٔ تاریخی مورد سنجش و ارزیابی تحلیلی قرار گرفت.

۳. قلعه‌رودخان

قلعه‌رودخان در استان گیلان، شهرستان فومن و در فاصلهٔ ۲۳ کیلومتری جنوب غربی شهر فومن، در بخش مرکزی و دهستان گوراب‌پس قرار دارد. قلعه در ارتفاعی حدود ۶۸۷ تا ۷۷۸ متر از سطح دریاهای آزاد قرار گرفته است (تصویر ۱). قلعه‌رودخان با توجه به اهمیت تاریخی و معماری خود در سال ۱۳۵۴ با شمارهٔ ۱۵۴۶ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است (اداره‌کل میراث‌فرهنگی گیلان ۱۳۵۴)[۶].

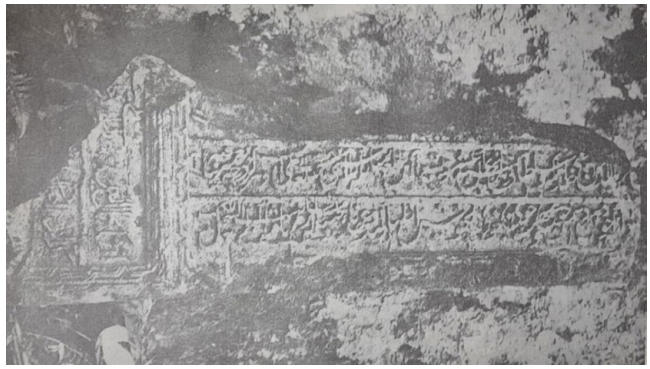


تصویر ۱: موقعیت روستاهای قلعه‌رودخان، حیدرآلات و قلعه‌دنه (در قالب یک طرح هادی)، نسبت به محدودهٔ پارک جنگلی و بنای قلعه‌رودخان

۳. ۱. پیشینهٔ تاریخی قلعه‌رودخان

شناخت تاریخی قلعه‌رودخان متکی بر متون و سفرنامه‌های کهن تاریخی و گزارش فعالیت‌های باستان‌شناختی و سال‌یابی است. در متون تاریخی تا پیش از عهد صفوی، اشارهٔ مستقیمی به نام این قلعه نشده است؛ نخستین‌بار در دورهٔ صفویه، عبدالفتاح فومنی در کتاب *تاریخ گیلان*[۷]، ذیل وقایع منطقه، صرفاً به «راه قلعه‌رودخان» و «کوه قلعه‌رودخان» اشاره کرده است (فومنی گیلانی ۱۳۴۹، ۱۱۷ و ۱۸۳).

رابینو[۸] نخستین پژوهشگری بود که در اواخر دورهٔ قاجار به معرفی قلعه، بازخوانی متن کتیبهٔ سردر ورودی و شناسایی بانی و سازندگان آن پرداخت. طبق گزارش وی، کتیبه نشان می‌داده که این دژ به نام «قلعه حسامی» و برای نخستین‌بار در خلال سال‌های ۹۱۸ تا ۹۲۱ق به فرمان سلطان حسام‌الدین امیر دباج بن امیر علاءالدین اسحقی، از امرای اسحاقوند گیلان بیه‌پس، تجدید بنا و مرمت شده است (تصویر ۲). منظومهٔ کتیبه، سرودهٔ خان‌احمد شیروانی، خوشنویسی آن اثر ابن حسین الخراسانی و سنگ‌تراشی آن کار کمال‌الدین محمد گیلانی بوده است (رابینو ۱۳۵۰، ۱۸۷). هدایت‌الله خان، حاکم گیلان، هنگام شورش علیه کریم خان زند به تعمیر قلعه‌رودخان پرداخت و در آنجا اسلحه و مهمات قرار داد (همان، ۱۸۷).



تصویر ۲: قدیمی‌ترین تصویر کتیبهٔ قلعه (مجلهٔ *سرزمین گیل و دیلم*، سید محمدتقی میرابوالقاسمی)

در ادامه، ستوده (۱۳۵۲، ۱۵۷ـ۱۶۱) با ارائهٔ نخستین پلان کامل (تصویر ۳) و توصیف تفصیلی فضاهایی چون شاه‌نشین و آب‌انبار، قلعه را به‌لحاظ وسعت و سازمان کالبدی به شهری آباد تشبیه نمود و ضمن تأکید بر لزوم حفاظت و مرمت آن، بر قابلیت‌های ویژهٔ گردشگری این اثر شاخص تأکید نمود.



تصویر ۳: اولین نقشهٔ ترسیم‌شده از پلان کامل قلعه‌رودخان که توسط منوچهر ستوده ارائه شده است.

در حوزهٔ مطالعات میدانی و باستان‌شناختی، حد فاصل سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۷، هفت مرحله فعالیت پژوهشی و کاوش در عرصه و حریم قلعه‌رودخان انجام گرفته است. نخستین فصل کاوش (۱۳۷۹) به سرپرستی رضا صدرکبیر در بخش میانی دژ متمرکز بود (تصویر ۴). فصول دوم، سوم و چهارم کاوش‌ها (۱۳۸۲ و ۱۳۸۳) به سرپرستی شهرام رامین با انجام گمانه‌زنی و پی‌گردی گسترده، به پاک‌سازی حدود ۹۰ درصد از فضاهای داخلی قلعه، خواناسازی ۶۷ ساختار معماری و حفر ۱۶ گمانه آزمایشی انجامید (تصویر ۵).

چهار فصل کاوش قلعه با توجه به شرایط وضع موجود زمان کاوش و مدفون بودن بخش عمدهٔ برج و باروها، به‌جای انجام کاوش‌های باستان‌شناسی هدفمند، بر روی خواناسازی سازه‌ها متمرکز بوده است. ازسوی دیگر، اساساً با توجه به استفادهٔ سازندگان قلعه از تمامی بستر سنگی قلعه برای ساخت فضاهای پیرامونی و داخلی، به‌نوعی فضاهای قابل توجهی برای حفاری نیز در محدودهٔ داخل قلعه وجود نداشته است که مورد کاوش گسترده قرار گیرد. لذا چهار فصل کاوش مشروحه به یافته‌های باستان‌شناسی شاخص و تأثیرگذار در تعیین قدمت ساخت قلعه و گذشتهٔ آن منجر نمی‌شود.

در ادامه، گمانه‌زنی‌های سال‌های ۱۳۸۷ (به سرپرستی رامین) به شناسایی بقایای کوره‌ای بدوی (تصویر ۶ و ۷) منجر شد که براساس نظر سرپرست هیئت مذکور، می‌تواند سبقهٔ پیش از اسلامی داشته باشد. در سال ۱۳۹۰ نیز گمانه‌زنی به‌منظور تدقیق عرصه و حریم قلعه به سرپرستی ولی جهانی انجام پذیرفت. درنهایت، بررسی و شناسایی باستان‌شناختی سال ۱۳۹۷ نیز به شناسایی ۱۴ محوطهٔ تاریخی در حوزهٔ فرهنگی و ارتفاعات ییلاقی بالادست قلعه منجر گردید.[۹]

برایند داده‌های باستان‌شناسی در هفت فصل مورد اشاره، استقرار پیوسته در قلعه‌رودخان را حداقل از سده‌های میانی اسلامی تثبیت می‌کند.

درخصوص مقایسهٔ تطبیقی قلعه‌رودخان با سایر محوطه‌های مشابه نیز می‌توان به قلعهٔ لیسار تالش اشاره کرد. در کاوش سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۳ قلعهٔ لیسار تالش یک سکه کشف شد که مربوط به دورهٔ اتابکان آذربایجان (نایب‌السلطنهٔ سلجوقیان) است. با توجه به اینکه اشیای مکشوفه در کاوش‌های قلعه‌رودخان و قلعهٔ لیسار به‌لحاظ مقایسه‌ای باهم مطابقت دارند، می‌توان علاوه‌بر اتکا به دوره‌شناسی اشیای مربوطه، به دورهٔ سکهٔ مکشوفهٔ قلعهٔ لیسار نیز برای تاریخ‌نگاری قلعه‌رودخان استناد کرد.[۱۰]





تصویر ۴ و ۵: کاوش در یک فضای خدماتی بخش میانی قلعه در اولین فصل و خواناسازی محدوده‌ای در بخش شرقی قلعه در دومین فصل کاوش‌های باستان‌شناسی قلعه‌رودخان (گزارش‌های باستان‌شناسی، آرشیو اداره‌کل میراث‌فرهنگی گیلان)





تصویر ۶ و ۷: کورهٔ بدوی مکشوفه در گمانه‌زنی سال ۱۳۸۷ قلعه‌رودخان (آرشیو اداره‌کل میراث‌فرهنگی گیلان)

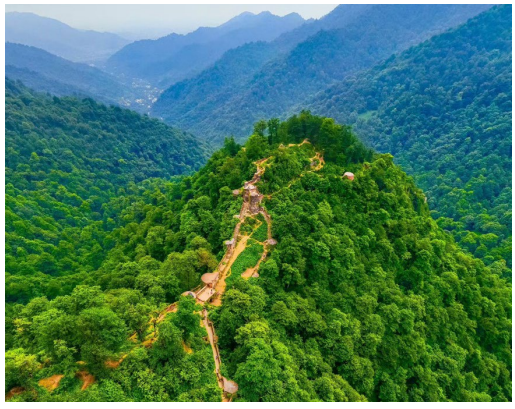
آزمایش‌های گاه‌نگاری سال‌یابی (ترمولومینسانس) بر روی ۱۲ نمونه از آجرهای بخش‌های مختلف بنا، تداوم ساخت‌وساز، استحکام‌بخشی و مرمت‌های پی‌درپی کالبد دژ را از حدود سدهٔ ششم هجری تا اواسط دورهٔ قاجار به اثبات رسانده است[۱۱] (بهادری و بحرالعلومی ۱۳۹۳، ۳۱). در این راستا، صادقی‌نژاد (۱۳۸۸، ۱۲۲) با رد فرضیهٔ احداث دژ توسط حکومت‌های مرکزی یا اسماعیلیه، احداث و توسعهٔ این ساختار پدافندی را اقدامی درون‌زا توسط دودمان‌های محلی گیلان (به‌ویژه امرای اسحاقی) در پاسخ به نیازهای دفاعی و جغرافیایی بومی ارزیابی می‌کند.

جدول ۱: نتایج سال‌یابی نمونه های قلعه‌رودخان (بهادری و بحرالعلومی ۱۳۹۳)

ردیف	محل نمونه‌برداری	قدمت
۱	آب‌انبار طبقهٔ بالا	۲۳۰ ±۲۵ سال
۲	آب‌انبار قراولخانه	۸۲۰±۶۰ سال
۳	آب‌انبار	۸۲۰±۶۰ سال
٤	آب‌انبار ـ راه‌پله شمالی	۸۱۰±۶۰ سال
٥	آب‌انبار روی قوس	۸۱۵±۷۰ سال
٦	سردر ورودی اصلی	۵۸۰±٤۰ سال
۷	برج شمالی	۷۹۰±۵۰ سال
۸	برج شمالی دروازه ورودی ـ بخش شرقی	۷۹۵±٦۵ سال
۹	برج شمالی	۸۰۵±۵۵ سال
۱۰	محل اسکان افسران ارشد ـ بخش شرقی	۳۵۰±۳۰ سال
۱۱	اطاق خواب ـ بخش شرقی	۳٤۰±۳۰ سال
۱۲	محل اسکان افسران ارشد ـ بخش شرقی	۳۵۰±۳۰ سال

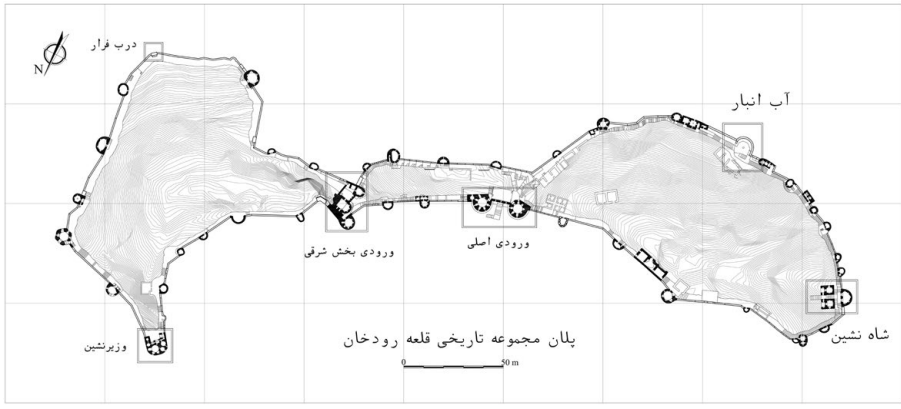
۳. ۲. معماری قلعه

قلعه‌رودخان با وسعت تقریبی ۲۲۳۰۰ متر مربع، بر فراز دو قلهٔ کوهستانی استقرار یافته و با بارویی مستحکم به طول تقریبی ۱۲۶۰ متر که کاملاً از پستی و بلندی‌ها و عوارض طبیعی بستر صخره‌ای تبعیت می‌کند، محصور شده است (تصویر ۸). این اثر تاریخی با وجود گذشت قرون متمادی و آسیب‌های ناشی از فرسایش و تخریب، کیفیت بصری و اصالت کالبدی خود را که ناشی از تنوع حجمی و سازمان‌دهی پدافندی است، حفظ کرده است. پلان کلی قلعه فرمی ارگانیک و نامنظم دارد و بر پایهٔ توپوگرافی بستر به سه بخش میانی، شرقی و غربی تفکیک می‌شود؛ همچنین ۴۴ برج دیده‌بانی و دفاعی با فرم‌های متنوع هندسی در طول بارو تعبیه شده‌اند (تصویر ۹ و ۱۰).

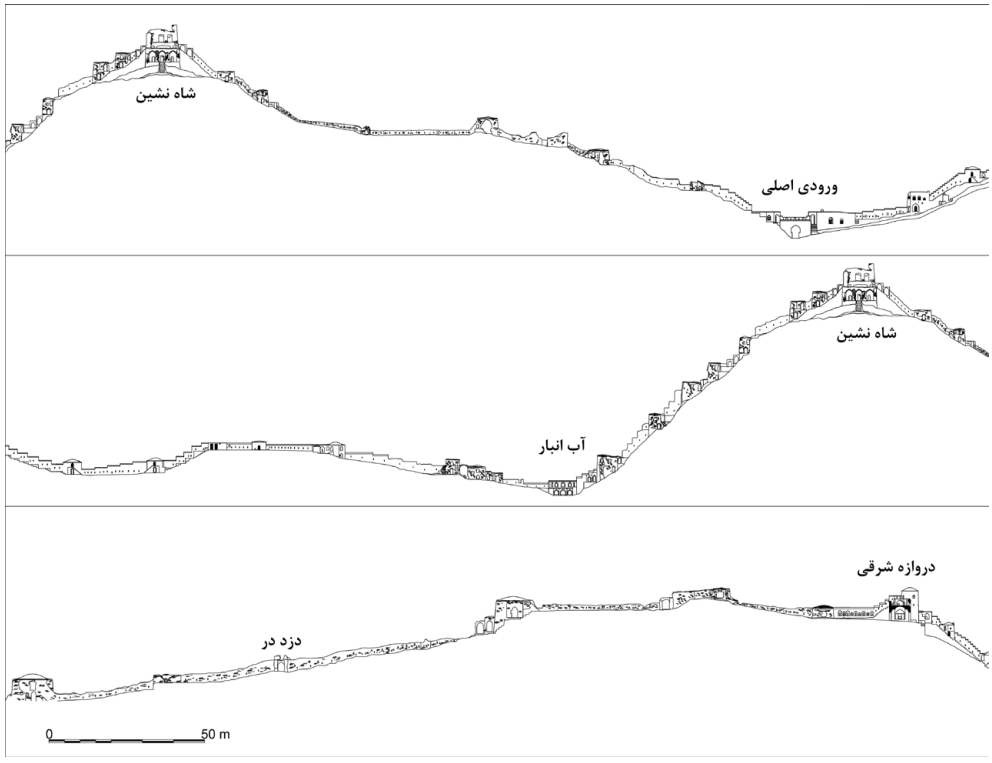


تصویر ۸: قلعه‌رودخان، دید به بخش میانی و شرقی با دورنمای جلگهٔ فومنات (عکاس: مرتضی خبازان)

بخش میانی در قالب یک فرورفتگی ناودیسی شکل گرفته که شامل دروازهٔ ورودی اصلی و چندین برج دیده‌بانی است؛ به نظر می‌رسد بخشی از این گودی ناشی از استخراج و برداشت سنگ‌های بستر کوه، برای تأمین مصالح ساخت بنا در دوران احداث بوده است. بخش شرقی دارای فضای ورودی مجزا برای تفکیک از سایر بخش‌هاست و معبر خروج اضطراری (درِ مخفی) در مواقع خطر نیز در این بخش قرار دارد. بخش غربی به‌دلیل گستردگی و شیب تند توپوگرافی، دارای بیشترین اختلاف ارتفاع است؛ به‌گونه‌ای که هم پست‌ترین نقطهٔ قلعه (محل استقرار آب‌انبار) و هم مرتفع‌ترین نقطهٔ دژ، یعنی عمارت حاکمیتی شاه‌نشین در منتهی‌الیه غربی را در بر می‌گیرد (تصویر ۱۱). در ادامه، به معرفی خلاصه‌ای از ساختار فضایی و مهم‌ترین عناصر معماری قلعه پرداخته می‌شود.



تصویر ۹: پلان قلعه‌رودخان (بازترسیم و ویرایش: نگارندگان، براساس نقشهٔ آرشیوی اداره‌کل میراث‌فرهنگی گیلان)



تصویر ۱۰: پروفیل‌های طولی معماری قلعه‌رودخان (بازترسیم و ویرایش: نگارندگان، براساس نقشهٔ آرشیوی اداره‌کل میراث‌فرهنگی گیلان)



تصویر ۱۱: جانمایی فضاهای مهم قلعه (عکاس: مجتبی نظیری)

دروازهٔ ورودی در جبههٔ شمالی قلعه قرار دارد و ساختار کالبدی آن شامل یک ورودی اصلی و دو برج پیرامونی است. از مهم‌ترین تدابیر و ترفندهای طراحی پدافندی در این بخش می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: استقرار دروازه در بخش زیرین، میان دو برج عظیم دو طرف، طراحی برج‌های دفاعی با پلان چندضلعی مجهز به طاق‌نماها و روزنه‌های تیراندازی در تراز فوقانی، تعبیهٔ سکویی وسیع با جان‌پناه‌های حفاظتی به‌سمت بیرون و ایجاد معبری با دسترسی آسان و امکان تجمع نیروها در جبههٔ داخلی. این سازمان‌دهی فضایی، اشراف دید و تسلط نظامی کاملی را از درون قلعه بر محوطهٔ پیش‌ورودی جهت دیده‌بانی، پدافند و مقابله با مهاجمان فراهم می‌ساخته است (تصویر ۱۲ و ۱۳).

آب‌انبار در بخش غربی و در پایین‌ترین سطح قلعه قرار دارد و آب چشمه‌های اطراف، توسط تنبوشه‌های سفالین به حوض آن، هدایت شده و در آنجا جمع‌آوری و مورد استفادهٔ ساکنان قرار می‌گرفته است. به‌دلیل حساسیت حفاظت از آب‌انبار و سردخانه، در بالای بام آن به‌طرف سمت خارجی قلعه، دو ردیف برج دیده‌بانی در دو طبقه به شکل مدور برای دفاع نگهبانان احداث شده است (تصویر ۱۴ و ۱۵).

شاه‌نشین در منتهی‌الیه بخش غربی قلعه، در بلندترین نقطه بر فراز تپه‌ای طبیعی، قرار دارد که از دید برخی از پژوهشگران، به این اسم نامیده شده است (ستوده، ۱۳۴۹، ج. ۱: ۱۵۹؛ مقری، ۱۳۸۳: ۳۱۹). از ویژگی‌های مهم این بخش می‌توان به اتخاذ تمهیدات دفاعی در استقرار با بهره‌گیری از وضع طبیعی (وجود دره‌ای عمیق در حد فاصل برج و فضای خارجی) و معماری بنـا (جان‌پناه‌ها و تیرکش‌ها و حتی راهرویی مسقف)، ساخته شدن در بلندترین نقطهٔ قلعه و داشتن اشراف مناسب به سایر بخش‌های قلعه، تمایز با سایر برج‌های قلعه به‌لحاظ مساحت، حجم، فرم پلان و تزیینات اشاره نمود (تصویر ۱۶ و ۱۷).

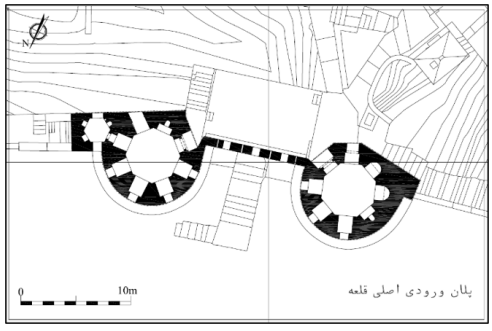
دروازهٔ بخش شرقی در باریک‌ترین نقطهٔ قلعه، جایی‌که برج و باروهای شمالی و جنوبی به هم می‌رسند، با همان صلابت ورودی اصلی وجود دارد. مجموعهٔ ورودی بخش شرقی به‌لحاظ مساحت و حجم و ارتفاع، بزرگ‌ترین فضای معماری قلعه است. معماران و سازندگان قلعه در نزدیک‌ترین فاصلهٔ باروهای شمالی و جنوبی، این مجموعهٔ چندکارکردی را طراحی و اجرا نموده‌اند (تصویر ۱۸ و ۱۹).

محل اسکان افسران ارشد در منتهی‌الیه شمال شرقی، در دو طبقه و با اتاق‌ها و راهروهای متعدد قرار دارد. اتاق‌های آن شش‌ضلعی و سقف آن‌ها مدور و از آجر ساخته شده و درهٔ پشت قلعه در این قسمت عمیق‌تر است. احتمال دارد که این بنا محل اسکان افسران ارشد و یا شاه‌نشین دیگری باشد. این بخش نیز به‌لحاظ تنوع در پلان و نوع استقرار در شرقی‌ترین نقطهٔ قلعه و دید به جلگه، متمایز است (تصویر ۲۰ و ۲۱).

در فرار (دزدِ در) در منتهی‌الیه جنوب شرقی قلعه، با فرم و کاربری متمایز قرار گرفته است. دلیل انتخاب محل این برج، شیب کم و سطحی دارای شرایط عبور و مرور پیاده صرفاً در محدودهٔ پیرامونی این برج است. سازندگان قلعه این ضعف را با طراحی مناسب به قوت تبدیل نموده و به نظر می‌رسد از آن برای ورود و خروج اضطراری به قلعه استفاده کرده‌اند (تصویر ۲۲ و ۲۳).

فضاهای خدماتی از مهم‌ترین بخش‌های معماری قلعه هستند. از متون مربوط به دورهٔ سلجوقی و توصیفاتی که پیرامون قلعه‌های آن دوره وجود دارد، هم خدمات لازم و هم اقلام مصرفی اهالی را می‌توان برداشت کرد. در متن سندی در دورهٔ سلجوقی از ملزومات قلعه به حضور ۳۴ پیشهٔ مختلف و وجود ۸۵ وسیله و کالای لازم در قلعه اشاره شده است (فخر مدبر ۱۳۴۶، ۴۲۳). با توجه به اینکه قلعه‌رودخان یک قلعهٔ نظامی و دفاعی با ظرفیت محدود (برخلاف شهر قلعه‌ها) بوده، به نظر می‌رسد فضاهای مورد اشاره، تعدیل شده و بخش‌های مهم‌تر پیشه‌های مذکور، در برنامه‌ریزی فیزیکی قلعه دیده و تأمین شده باشند. به نظر می‌رسد ساختارهای با پلان مربع یا مستطیل که اکثراً در محدودهٔ حد فاصل برج و باروهای شمالی و جنوبی و به‌نوعی داخل قلعه و تعداد محدودی نیز از برج های دوکارکردی (دفاعی ـ خدماتی) پیرامونی قلعه، جوابگوی این نیازها بوده‌اند (تصویر ۲۴).

در جدول ۲ به‌طور خلاصه به عناوین و ویژگی‌های فضاهای اصلی قلعه اشاره شده است.



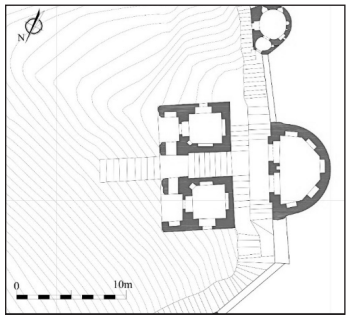


تصویر ۱۲ و ۱۳: تصویر نمای جنوبی دروازهٔ ورودی قلعه و پلان معماری آن (نقشه از آرشیو اداره‌کل میراث‌فرهنگی گیلان)



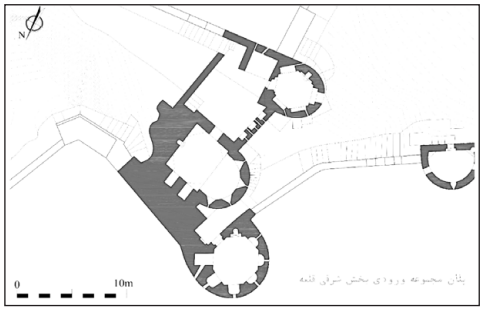


تصویر ۱۴ و ۱۵: تصاویر آب‌انبار قلعه



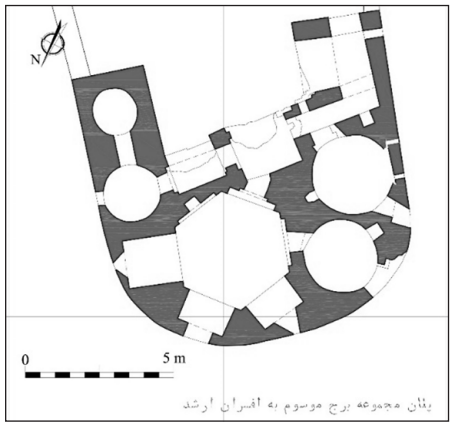


تصویر ۱۶ و ۱۷: نمای شاه‌نشین و پلان معماری آن (نقشه از آرشیو اداره‌کل میراث‌فرهنگی گیلان)





تصویر ۱۸ و ۱۹: تصویر مجموعهٔ دروازه بخش شرقی و پلان معماری آن (نقشه از آرشیو اداره‌کل میراث‌فرهنگی گیلان)





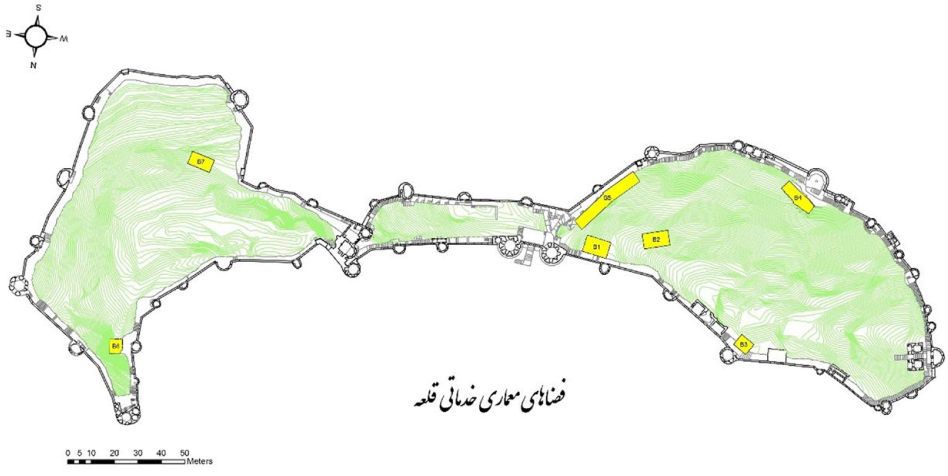
تصویر ۲۰ و ۲۱: تصویر نما و پلان معماری بنای موسوم به افسران ارشد در بخش شرقی قلعه (نقشه از آرشیو اداره‌کل میراث‌فرهنگی گیلان)





تصویر ۲۲ و ۲۳: تصاویر نماهای جنوبی و شمالی دزد در (گزارش کاوش فصل سوم قلعه، آرشیو اداره‌کل میراث‌فرهنگی گیلان)

مطالعات معماری ایران
دو فصلنامه معماری ایرانی
شماره ۲۹ ـ بهار و تابستان ۱۴۰۵



تصویر ۲۴: جانمایی فضاهای خدماتی قلعه (بازترسیم و ویرایش: نگارندگان، براساس نقشهٔ آرشیوی اداره‌کل میراث‌فرهنگی گیلان)

جدول ۲: معرفی فضاهای معماری و توصیفات کالبدی و عملکردی مجموعهٔ قلعه‌رودخان

ردیف	فضاهای معماری	جانمایی	توصیف کالبدی	توصیف عملکردی	توضیحات
۱	دروازهٔ ورودی	ضلع شمالی	دو برج دفاعی با پلان چند ضلعی و طاق‌نماهای متعدد	قابلیت تیراندازی، سکوی وسیع با دست‌اندازهای حفاظتی نسبت به خارج قلعه و فضای دید وسیع و مسیر عبور آسان و قابلیت تجمع در محدودهٔ داخلی قلعه	اشراف مناسب از داخل قلعه نسبت به فضای جلوی ورودی اصلی قلعه برای مشاهده، حمله و دفاع
۲	آب‌انبار	بخش غربی	تنبوشه‌های سفالین و حوض ـ دو ردیف برج دیده‌بانی در دو طبقه به‌شکل مدور در بالای بام آن	جمع‌آوری و هدایت چشمه‌های آب اطراف ـ حفاظت از آب‌انبار و سردخانه	در پایین‌ترین سطح قلعه
۳	شاه‌نشین	منتهی‌الیه بخش غربی	تمایز با سایر بخش‌ها، به‌لحاظ مساحت، معماری، مصالح و تزیینات	اتخاذ تمهیدات دفاعی در استقرار با بهره‌گیری از وضع طبیعی	در بلندترین نقطه بر فراز تپه‌ای طبیعی
۴	دروازهٔ بخش شرقی	بخش شرقی	به‌لحاظ مساحت، حجم و ارتفاع، بزرگ‌ترین فضای معماری مجموعه	قابلیت تیراندازی ـ فرماندهی جنگ	در باریک‌ترین نقطهٔ قلعه
۵	وزیرنشین	منتهی‌الیه شرقی	دو طبقه، با اتاق‌های شش‌ضلعی و راهروهای متعدد	محل اسکان افسران ارشد و یا شاه‌نشین دیگر	در مجاورت یک درهٔ عمیق
۶	درب اضطراری	بخش شرقی	فضایی کوچک با یک دروازهٔ تعبیه‌شده و در بخش فوقانی با مسیر نگهبانی	خروج اضطراری	درب فرار

٤. تبیین ارزش‌های قلعه‌رودخان از نگاه منشور ایکوفورت

٤. ١. منشور ایکوفورت[۱۲] و ارزش‌ها

از نگاه این منشور،[۱۳] استحکامات و دارایی‌های میراثی مرتبط با آن‌ها دارای ارزش‌های خاصی هستند که به‌طور کامل یا جزئی با ارزش‌های شناسایی‌شده در سایر انواع دارایی‌ها متفاوت است (ICOFORT 2021, 2). منشور ایکوفورت، استحکامات و میراث مرتبط را شامل هر سازه‌ای می‌داند که با مواد طبیعی یا مصنوعی، توسط یک جامعهٔ انسانی برای محافظت از خود در برابر مهاجم ساخته شده‌اند. چگونگی تبیین و دسته‌بندی ارزش‌ها، مورد توجه ویژهٔ ایکوفورت بوده و بخش عمدهٔ سند را به خود اختصاص می‌دهد.[۱۴] همچنین دسته‌بندی جامعی برای این ارزش‌ها ارائه نموده که با توجه به رویکرد ارزش‌مبنای پژوهش حاضر، مورد استناد قرار گرفته و در جدول ۳ بدان اشاره شده است.

جدول ۳: دسته‌بندی ارزش‌ها در ساختارهای تاریخی دفاعی از منظر منشور ایکوفورت

ردیف	عنوان	توصیف
۱	ارزش معماری و فنی	تیپولوژی، فرم ساخت و نوع استقرار منحصربه‌فرد هر سازهٔ نظامی و دفاعی برای پاسخ‌گویی به تهاجمات مختلف زمانهٔ خود طراحی و اجرا شده است. ارزیابی ارزش فنی، مستلزم دانش عمیقی از سیر تحول جنگ‌افزارها و جنگاوری‌هاست تا پیشرفت‌های نوآورانه در پاسخ به تغییرات در علوم و مهندسی نظامی، شناسایی و اثبات شود.
۲	ارزش سرزمینی و جغرافیایی	ارزش استحکامات به‌عنوان یک سازمان ارضی، مؤلفهٔ مهمی از اهمیت سیستم‌های دفاعی است. ساختارهای دفاعی ممکن است هم به‌صورت عناصر منفک و مستقل و هم بخشی از یک سیستم بزرگ‌تر از اجزای غیرمجاور را تشکیل دهند که به‌عنوان تلطیف‌کنندهٔ منظر فرهنگی عمل می‌کنند. در این موارد، ارزش سیستم بیشتر از ارزش ویژهٔ هریک از بخش‌های آن است. مزیت‌های راهبردی موقعیت مکانی و نحوهٔ پاسخ مؤثر طراحی به توزیع فضایی تسلیحات، نوع محاصره یا حملهٔ مورد انتظار، دسترسی به برد دفاعی، توپوگرافی و اکوسیستم قلمرو مورد دفاع در این دسته قرار می‌گیرد.
۳	ارزش منظر فرهنگی	ارزش منظر فرهنگی، امکان درک بهتر جنبهٔ ملموس و عملکردی استحکامات را فراهم می‌کند و ازجمله عناصر دیگر، احترام به محوطهٔ آن، نقش ساخت‌وساز نظامی برای اهداف دفاعی، موقعیت بصری و فیزیکی آن را در قلمرو اطراف در نظر می‌گیرد. ارزش منظر فرهنگی همچنین می‌تواند درخصوص هویت و حس تعلق خاطر به مکان، ناحیه یا کشوری خاص را در خود جای دهد.
۴	ارزش راهبردی	قلعه‌ها، نمادی از آمیختگی علوم چندگانه است. ارزش راهبردی یک استحکامات بیشتر از ارزش سرزمینی یا جغرافیایی آن است. ازآنجاکه منعکس‌کنندهٔ قدرت تصمیم‌گیری، عمق دانش و همچنین انسجام اجتماعی گروه حاکم است.

۵	ارزش انسانی و انسان‌شناختی	استحکامات برای محافظت از یک گروه انسانی در برابر گروه دیگر ساخته شد. بنابراین، می‌توان آن‌ها را محیط مناقشه دانست. استحکامات گاهی با نبردها و جنگ‌های بی‌رحمانه و ویرانگر مرتبط است که منجر به پیروزی یک گروه بر گروه دیگر شکست‌خورده می‌شود. در ایجاد حکومت‌ها و عملکردشان نقش محوری دارند. هم سازه‌های استحکاماتی و هم مناظر فرهنگی ممکن است حاوی اطلاعات باستان‌شناسی باشند که برای درک آن‌ها مهم است و می‌تواند اطلاعاتی را در مورد استفادهٔ قبلی از این مکان‌ها ارائه دهد که از منابع تاریخی در دسترس نیست.
۶	حافظه، هویت و ارزش آموزشی	استحکامات می‌تواند نقش مهمی در حافظهٔ جامعه داشته باشد. آن‌ها به‌طور مستقیم تضاد را نشان می‌دهند و امکان تجربه، یادگیری خاص و اغلب شخصی را از رویدادهایی که می‌تواند بخشی از تاریخ مشترک جوامع باشد را فراهم می‌کند. آن‌ها در ارتباط با منظر فرهنگی که در آن قرار گرفته‌اند، به حافظهٔ جمعی تعلق دارند. استحکامات ارزش آموزشی دارند زیرا می‌توانند محیطی محرک و پرورش‌دهندهٔ مرتبط با تجربهٔ فرهنگی میراث نظامی را فراهم کنند.
۷	ارزش تاریخی	استحکامات و میراث مرتبط با نگرش‌ها و جهان‌بینی‌های خاص مربوط به دوره‌های توسعه و استفاده از آن‌هاست. این نگرش‌ها را می‌توان ازطریق مطالعه و تفسیر مکان‌های نظامی و روابط بین جوامع معاصر درک کرد.
۸	ارزش اجتماعی و اقتصادی	شناخت ارزش اجتماعی ازطریق یک سری اقدامات توان‌بخشی مناسب، باید به‌عنوان یک محور محرک برای رشد اقتصادی جوامع عمل کرده و موجب شناخت ارزش‌های جدید و دانش جدید گردد.

٤. ۲. ارزش‌های قلعه‌رودخان از منظر ایکوفورت

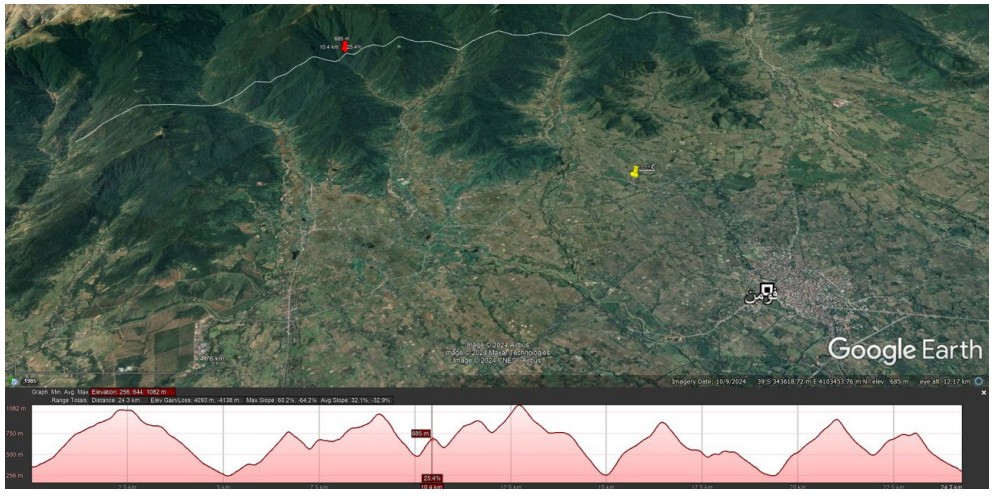
در این بخش پژوهش، ارزش‌های قلعه‌رودخان (به‌عنوان یک مجموعهٔ تاریخی با ساختار دفاعی و نظامی)، براساس دسته‌بندی هشت‌گانهٔ ارزش‌ها از نگاه منشور ایکوفورت مورد ارائه و بررسی قرار خواهد گرفت.

٤. ۲. ۱. ارزش معماری و فنی[۱۵]

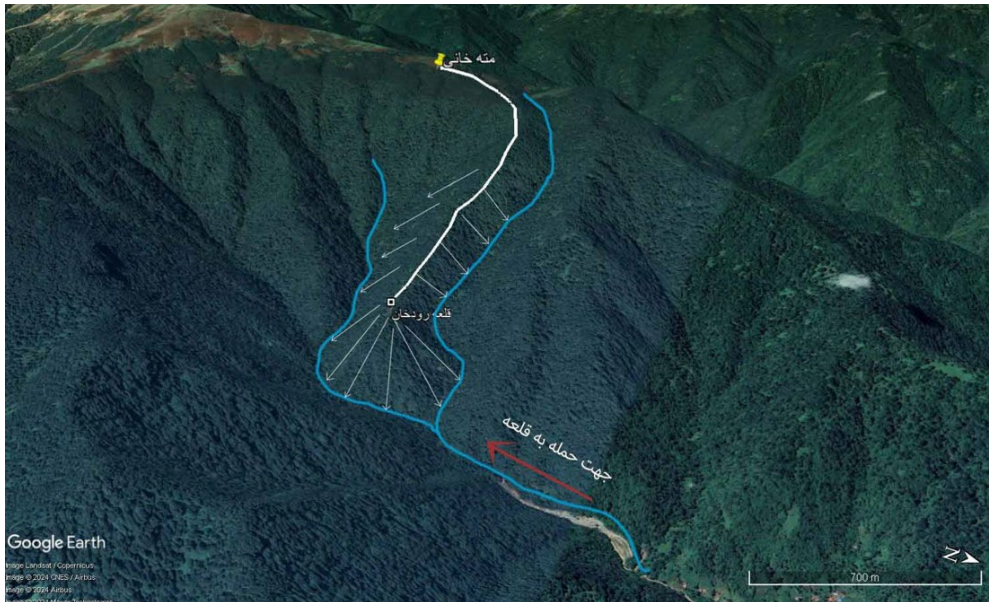
تعاریف منشور ایکوفورت از ارزش‌های معماری و فنی به‌خوبی در قلعه‌رودخان براساس مستندات پژوهش حاضر، قابل دفاع است. این دسته از ارزش‌های قلعه‌رودخان را می‌توان در سه سطح و نگاه به‌لحاظ مقیاس در طراحی و معماری به شرح ذیل مورد بررسی قرار داد: الف) جایابی و مکان‌یابی؛ ب) چگونگی استقرار قلعه در بستر؛ ج) تیپولوژی معماری و فرم ساخت.

در مرحلهٔ اول، انتخاب محل ساخت قلعه در فاصلهٔ مناسب از فومن و گشت به‌عنوان مراکز حکومتی اصلی غرب گیلان و با یک بستر دارای شرایط دفاع مناسب، به‌خوبی انجام شده است (تصویر ۲۵). به‌رغم وجود بلندی‌های مشابه و متعدد در منطقه، محلی برای ساخت قلعه انتخاب شده که اختفای مناسبی در دل جنگ و ارتفاعات داشته‌اند.

مؤلفهٔ کلیدی بعدی در جایابی و استقرار قلعه‌رودخان، تضمین پایداریِ تأمین آب شرب برای ساکنان بوده است. با تکیه بر دانش فنی پیشین و بهره‌گیری از نیروی ثقل، آب از ارتفاعات ییلاقی متهخانی در فاصلهٔ ۲/۵ کیلومتری غرب قلعه هدایت می‌شده است. مسیری که در گذشته با استفاده از تنبوشه‌های سفالی برقرار بوده است. از منظر پدافند غیرعامل، استقرار قلعه بر اصل تسلط بصری و اشراف راهبردی ساکنان بر مهاجمان استوار است. این راهبرد در اضلاع شمالی، جنوبی و شرقی که به دره‌ها و بستر رودخانه منتهی می‌شوند، با حداکثر کارایی رعایت شده است. بااین‌حال، معماران برای تحقق انتقال ثقلی آب، ناگزیر به پذیرش محدودیت‌های توپوگرافیک و مجاورت با ارتفاعات بالادست در ضلع غربی بوده‌اند. این چالش، با تدبیری هوشمندانه در جایابی پاسخ داده شده است؛ به‌طوری‌که ضلع غربی به‌عنوان تنها جبههٔ مشرف بر قلعه انتخاب شده که در تقابل با مسیر اصلی هجوم احتمالی دشمن قرار داشته است. درواقع، اخلال در سیستم آب‌رسانی توسط مهاجمان، مستلزم عبور از کل جبههٔ دفاعی قلعه و پیمایش مسیرهای صعب‌العبور و پرشیب بالادست بوده است؛ فرایندی که از منظر نظامی، دشواری آن عملاً معادل نفوذ مستقیم به درون قلعه ارزیابی می‌شود (تصویر ۲۶).



تصویر ۲۵: انتخاب محل مناسب استقرار قلعه، اختفای بهتر، تسهیل در دفاع، بستر مناسب ساخت، فاصلهٔ مناسب از فومن و گشت



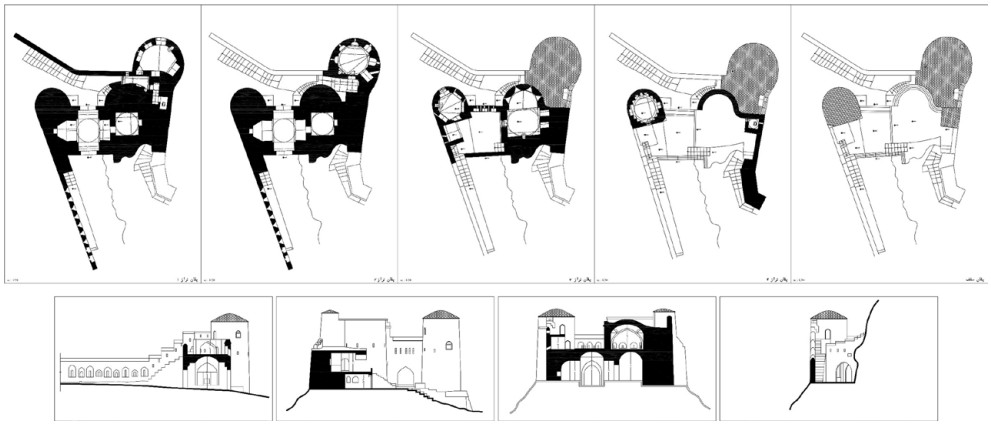
تصویر ۲۶: اتخاذ تمهیدات مناسب برای پدافند غیرعامل در استقرار قلعه

چالش بعدی پس از انتخاب محل قلعه و مکان‌یابی آن، چگونگی قرارگیری قلعه و فضاهای مختلف آن در این بستر بوده است. به نظر می‌رسد در روند طراحی و ساخت قلعه، ارتباط آن با بستر طبیعی بیشترین تأثیرپذیری را داشته است؛ به‌طوری‌که شکل و فرم بستر طبیعی قرارگیری قلعه، عامل اصلی تعیین‌کنندهٔ ساختار قلعه بوده است. فرم توپوگرافی و بستر پس از تراشیده شدن، تعیین‌کنندهٔ فرم و مساحت فضاهای مختلف بوده است. یکی از نکات قابل توجه در تطبیق معماری با طبیعت محدودهٔ قلعه، محل قرارگیری دروازهٔ بخش شرقی است. لذا درخصوص ایجاد دروازهٔ بخش شرقی اولین دلیلی که در ذهن تداعی می‌گردد، اهمیت مضاعف آن و ایجاد یک فیلتر اضافه بر دروازهٔ ورودی اصلی برای این بخش بوده است. درحالی‌که با دقت بر چگونگی وضعیت بستر طبیعی در این بخش می‌توان دریافت که این ناحیه باریک‌ترین بخش بستر در کل محدودهٔ استقرار قلعه است، و این امر موجب گردیده که اساساً باروهای شمالی و جنوبی

باهم تلاقی داشته باشند. معماران قلعه، این تداخل و تلاقی را در قالب یک مجموعه که کارکرد اصلی آن دروازۀ بخش شرقی است، حل نموده‌اند (تصویر ۲۷ و ۲۸).



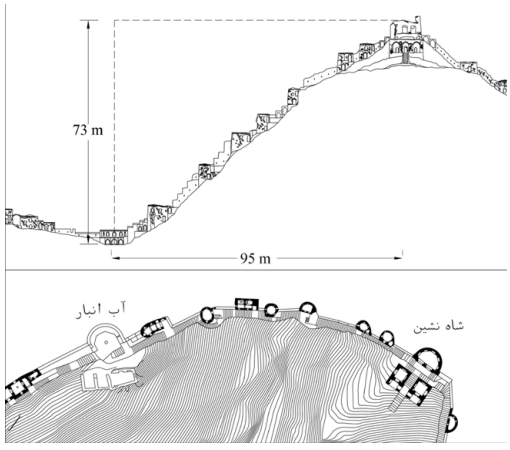
تصویر ۲۷: تلاقی باروهای شمالی و جنوبی در محل دروازۀ بخش شرقی (عکاس: مصطفی اسدبیگی)



تصویر ۲۸: مجموعه دروازۀ بخش شرقی، پلان در کدهای ارتفاعی متفاوت و برش‌ها (آرشیو اداره‌کل میراث‌فرهنگی گیلان)

در نظام استقرار فضایی قلعه، محدودۀ حد فاصل آب‌انبار تا شاه‌نشین، نمونۀ شاخصی از راهبردهای نبوغ‌آمیز طراحی و مهندسی بومی در مواجهه با چالش‌های بستر صخره‌ای با شیب تند به شمار می‌رود. در پهنۀ حدوداً ۲/۵ هکتاری قلعه، مرتفع‌ترین بخش کالبدی یعنی شاه‌نشین و پست‌ترین نقطۀ استقرار یعنی آب‌انبار، در کوتاه‌ترین فاصلۀ افقی ممکن نسبت به یکدیگر جانمایی شده‌اند. این دو فضای شاخص با اختلاف ارتفاعی بالغ بر ۷۳ متر در یک فاصلۀ طولی ۹۵ متری، شیبی بسیار تند و چالش‌برانگیز را پدید آورده‌اند که طراحی و اجرای ساختارهای معماری و ایستایی سازه‌ها را در عمل با محدودیت‌های شدیدی روبه‌رو می‌ساخته است. بااین‌حال، سازندگان قلعه در مواجهه با این بستر ناهموار و در حد فاصل این دو کانون زیستی و حاکمیتی، هفت برج دفاعی و هشت جبهه باروی کاملاً متمایز را با تبعیت از خطوط توپوگرافی و با حداکثر سازگاری سازه‌ای و کالبدی استقرار بخشیده‌اند، چنان‌که پس از گذشت قریب به هزار سال در اقلیم مرطوب و پربارش گیلان همچنان پابرجا هستند (تصویر ۲۹ و ۳۰).

در مکان‌یابی، استقرار و ساخت قلعه‌رودخان، نیز تدابیری اندیشیده شده که بنا در مقابل حمله و تهاجم احتمالی دشمنان، ایمن (پدافند غیرعامل) باشد. همان‌گونه که در بخش پیشینهٔ تاریخی تأکید شد، قدیمی‌ترین دورهٔ شناخته‌شدهٔ استقرار در بنا مربوط به دوره‌های میانی اسلامی و مقارن با دورهٔ حکومت سلجوقیان در ایران است. در کتاب *آداب الحرب و الشجاعه*[۱۶] از متون مهم سلجوقی (قدیمی‌ترین دورهٔ مرمت یا ساخت بنا براساس مستندات در اختیار)، ابزارها و روش‌های فتح قلاع آن دوره بیان شده است. نوع استقرار قلعه بر بستر طبیعی پیرامونی با شیب قابل توجه و قرار گرفتن برج‌ها بر بستر سنگی مرتفع و معماری خاص بخش‌های مختلف آن موجب شده که اکثر تمهیدات فتح قلاع در کتاب مذکور، برای قلعه‌رودخان، بی‌اثر باشد. قلعه‌رودخان تنها با تکیه بر مکان‌یابی صحیح و اتخاذ تدابیر مناسب در استقرار بنا بر بستر طبیعی خود موفق شده الگویی را که ما امروز آن را با نام پدافند غیرعامل می‌شناسیم، به‌خوبی در نهایت کارایی محقق نماید. عوارض طبیعی و شیب زیاد ناشی از کوهی که قلعه‌رودخان بر آن قرار دارد، شرایطی خاص را حاکم نموده است؛ یعنی همان‌قدر که در پدافند غیرعامل تأثیرگذار بوده و موجبات آرامش ساکنان قلعه را فراهم کرده است، محدودیت‌های قابل توجهی نیز برای سازندگان قلعه در زمان ایجاد یا مرمت آن به وجود آورده است.





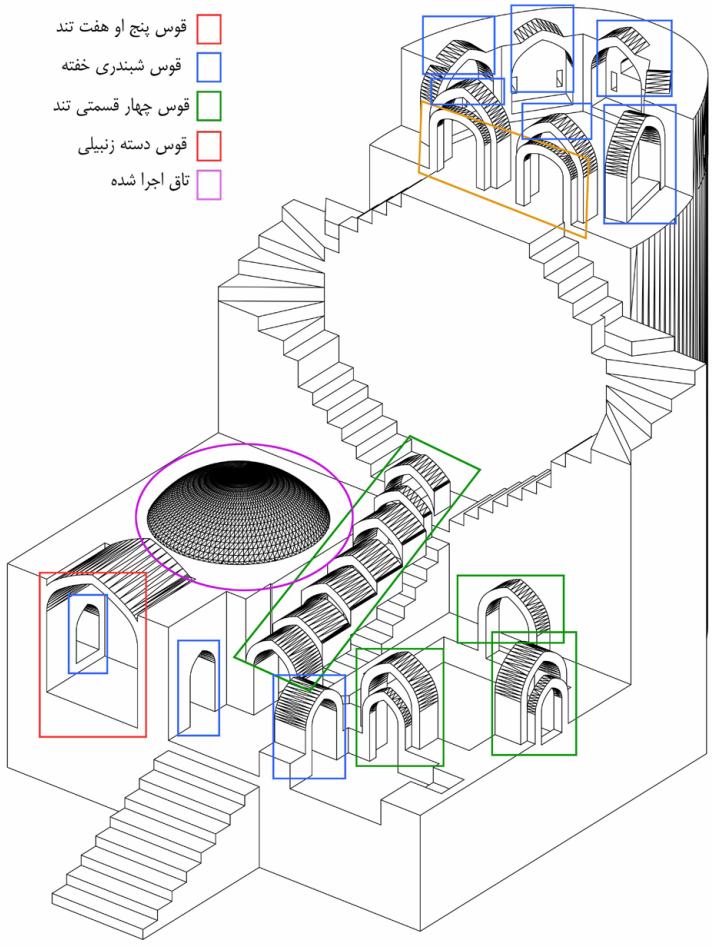
تصویر ۲۹ و ۳۰: استقرار فضاها در شیب تند حد فاصل شاه‌نشین (بلندترین نقطهٔ قلعه) و آب‌انبار (پایین‌ترین نقطهٔ قلعه)
(بازترسیم و ویرایش نقشه‌ها: نگارندگان، براساس نقشهٔ آرشیوی اداره‌کل میراث‌فرهنگی گیلان)

در بخش جزئیات ساخت و فناوری اجرای فضاها، تلاش سازندگان در ساختارشکنی آگاهانه نسبت به سنت‌های رایج معماری بومی گیلان نهفته است. در اقلیم مرطوب گیلان که سنت غالب ساخت‌وساز همواره مبتنی‌بر سازه‌های چوبی، شیوه‌های بومی و استفادهٔ حداقلی از آجر بوده است، سازندگان به‌خوبی دریافته بودند که اتکا به معماری چوبی بومی با فلسفهٔ وجودی یک مجموعه با کارکرد دفاعی و مقاوم در برابر مخاطرات محیطی و فرسایش زیستی در تعارض قرار دارد. ازاین‌رو، راهبرد ساخت مبتنی‌بر جرم صلب حرارتی و سازه‌ای، اجرای دیواره‌های ضخیم باربر و پوشش‌های تاقی با تلفیق سنگ‌های حاصل از تراش بستر صخره‌ای و آجر پخته‌شده در کوره‌های مستقر در محوطهٔ داخلی و پیرامونی قلعه، اتخاذ گردید. این هم‌پیوندی میان آماده‌سازی صخره‌ها، استخراج مصالح و پخت موضعی آجر در ارتفاعات صعب‌العبور، مدیریت مناسب اجرایی بنایی با این مقیاس و خودکفایی مصالح را به نمایش می‌گذارد.

در حوزهٔ ایستایی و ریخت‌شناسی پوشش‌ها، بنا مجهز به راهکارهایی بدیع در مواجهه با بارندگی‌های مداوم و رانش شیب‌های تند است. معماران قلعه به‌جای پوشش‌های سفالی آسیب‌پذیر و شکننده، از آجرهای چهارگوش صلب همراه با گنبدهای بسیار کم‌خیز استفاده کرده‌اند تا فرسایش آب‌بردگی ناشی از بارش را به حداقل رسانده و بار رانشی سقف را به جرزهای ضخیم پایینی انتقال دهند. همچنین در تفکیک افقی طبقات، تنوعی از شیوه‌های اجرایی شامل تیرریزی چوبی، سقف‌های ترکیبی و به‌ویژه گنبد عرقچین به کار رفته است؛ روشی که در آن فضای گود پیرامون گنبد با مصالح

پایدار پر و تسطیح شده تا سطحی صلب و مستحکم برای کلاه‌فرنگی و طبقات فوقانی در فضاهای حساسی چون شاه‌نشین فراهم آورد.

تسلط بر رفتار مصالح و اتصالات ساختمانی، با به‌کارگیری ملات‌های پایهٔ آهکی و ساروج در ترکیب با خاکستر و زغال محقق شده است؛ ترکیبی که در فرایند کربناتاسیون تدریجی، چسبندگی فوق‌العاده‌ای میان بلوک‌های سنگی و آجری ایجاد کرده و مقاومت کالبد بنا را در برابر رطوبت مداوم تضمین نموده است. علاوه‌بر این، گوشه‌سازی‌های متنوع و اجرای طیف وسیعی از قوس‌ها نظیر پنج‌اوهفت‌کند، شبدری کند، چهاربخشی تند و دسته‌زنبیلی، در بخش‌های مختلف، به‌عنوان نمونه در ساختار شاه‌نشین، حاکی از اشراف کامل سازندگان بر هندسهٔ فضایی و تاق‌زنی در بسترهای ناهموار کوهستانی است. در تصویر ۳۱ جزئیات اجرایی ساخت فضای شاه‌نشین و استفاده‌های متنوع از سقف‌های گنبدی کم‌خیز، طاق و قوس‌های متنوع ارائه شده است. نکتهٔ مهم اینکه برای تمام فضاهای قلعه با توجه به بستر و نیازهای عملکردی، طراحی متمایزی مثل شاه‌نشین و در مقیاس‌های مختلف انجام شده است.



تصویر ۳۱: جزئیات اجرایی شاه‌نشین، استفاده از سقف‌های گنبدی با خیز کم و طاق و قوس‌های متنوع در یک ساختار سازه‌ای هماهنگ با بستر

٤. ٢. ٢. ارزش سرزمینی و جغرافیایی[۱۷]

براساس تعریف ارائه‌شده از این ارزش در منشور، می‌توان قلعهٔ کل فومن و قلعهٔ لیسار تالش را به‌عنوان قلعه‌های غیرمجاور قلعه‌رودخان در نظر گرفت که احتمال وجود ارتباطاتی بین این قلعه‌ها در قالب یک ساختار هماهنگ وجود دارد. کشف اموال فرهنگی هم‌دوره و متجانس، در محدودهٔ قلاع مذکور، احتمال وجود ارتباط تاریخی و کارکردی را تقویت می‌کند. اثبات این موضوع نیاز به بررسی‌های بیشتر دارد (تصویر ۳۲).

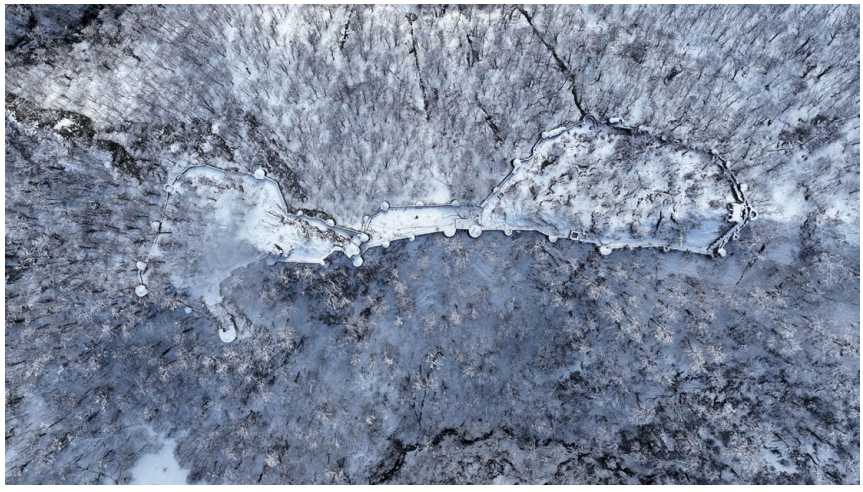


تصویر ۳۲: قلعه‌رودخان، قلعهٔ لیسار، قلعهٔ کل فومن؛ سه قلعه‌ای که احتمال وجود ارتباط بینشان در گذشته وجود دارد.

٤. ٢. ٣. ارزش منظر فرهنگی[۱۸]

در منشور ایکوفورت، مؤلفهٔ محوری در تبیین ارزش منظر فرهنگی، «احترام به بستر و محیط پیرامونی اثر» عنوان شده است. بستر طبیعی و عوارض ژئومورفولوژیک قلعه‌رودخان، کانون اصلی و تعیین‌کنندهٔ تکوین کالبدی قلعه از ساختار کلان تا جزئیات معماری در قالب نظامی کاملاً ارگانیک به شمار می‌رود. در میان هفتاد فضای مختلف شناسایی‌شده در قلعه، اعم از برج‌های پیرامونی، فضاهای شاخص و بخش‌های خدماتی، به‌دلیل تبعیت کامل ساختار معماری از خطوط تراز توپوگرافی و عوارض صخره‌ای بستر، هیچ دو فضا یا پلانی با ریخت‌شناسی یکسان مشاهده نمی‌شود؛ امری که نشان‌دهندهٔ انطباق حداکثری معماری با بستر طبیعی است (تصویر ۳۳).

ازسوی دیگر، منشور ایکوفورت ارزش‌های منظر فرهنگی را در پیوند با «هویت و حس تعلق‌خاطر به مکان، ناحیه یا سرزمینی خاص» نیز تعریف می‌کند. این تعلق خاطر مکانی پیرامون قلعه‌رودخان در مقیاس‌های گوناگون استانی (گیلان)، منطقه‌ای (فومنات) و به‌ویژه محلی متجلی است؛ چنان‌که روستاهای هم‌جوار نظیر «قلعه‌رودخان» و «قلعه‌دنه» وجه‌تسمیهٔ خود را مستقیماً وامدار حضور این دژ تاریخی هستند. جامعهٔ بومی خود را وارث و حافظ اصلی این اثر تاریخی دانسته و این حس مکان ریشه‌دار، نه‌تنها متکی بر آگاهی از ارزش‌های تاریخی و معماری قلعه است، بلکه با پیوندهای معیشتی و رونق اقتصادی ناشی از محور گردشگری منطقه نیز قوام و استمرار یافته است.



تصویر ۳۳: نهایت انطباق و احترام معماری به بستر و محیط اثر در شکل‌گیری قلعه‌رودخان (عکاس: مرتضی رفیع‌زاده)

٤. ٢. ٤. ارزش راهبردی[۱۹]

این ارزش در منشور، با تأکید بر اینکه قلعه‌ها نمادی از آمیختگی علوم چندگانه و منعکس‌کنندهٔ قدرت تصمیم‌گیری، عمق دانش و همچنین انسجام اجتماعی گروه حاکم بوده، ارائه شده است. لذا براساس مستندات ارائه‌شده در بخش شناخت، احتمالاً حداقل حدفاصل ۵۵۰ تا ۶۵۰ هجری، حاکمان بیه‌پس گیلان با مرکزیت فومنات در اوج تهدیدهای مختلف داخل و خارج گیلان و حتی کشور، به یک آرامش ظاهری روی آورده و به‌صورت هدفمند از چالش با دشمنان خودداری می‌کنند (صادقی‌نژاد ۱۳۸۷، ۱۷۴_۱۷۶). ایجاد یک قلعهٔ بزرگ در ارتفاعات جنگلی انبوه قلعه‌رودخان در یک بستر با توپوگرافی خاص صخره‌ای، با حجم قابل توجه مصالح و رعایت جزئیات بوده است. قلعه‌رودخان به‌درستی، نمادی از آمیختگی علوم چندگانه و منعکس‌کنندهٔ قدرت تصمیم‌گیری، عمق دانش و همچنین انسجام اجتماعی گروه حاکم بر گیلان بیه‌پس است.

٤. ٢. ٥. ارزش انسانی و انسان‌شناختی[۲۰]

این دسته ارزش‌ها، تأکید بر گروه‌های انسانی مختلفی دارد که در بستر این گونه آثار در گذر قرن‌ها و براثر درگیری‌ها و مناقشه‌های مختلف، دچار شکست‌ها و پیروزی‌های فراوان شده‌اند و درنتیجه این گونه آثار، حاوی اطلاعات ارزشمند انسان‌شناختی، در دوره‌های مختلف خواهند بود. همچنین تأکید می‌کند که ازطریق فعالیت‌های باستان‌شناسی می‌توان به اطلاعات مناسبی درخصوص این دسته از ارزش‌ها دست یافت. درخصوص قلعه‌رودخان نیز با توجه به سابقهٔ استقرار از دوره‌های میانهٔ اسلامی تا دورهٔ صفوی و زندیه، این دسته از ارزش‌ها صدق می‌کند و اطلاعات مناسبی نیز در این خصوص ازطریق فعالیت‌های باستان‌شناسی حاصل شده است.[۲۱] برای مثال تنها ظرف سالم به‌دست‌آمده در کاوش سال ۱۳۷۹ قلعه به سرپرستی صدر کبیر، یک ظرف سفالی با لبهٔ پهن برگشته مختص گهوارهٔ نوزاد (به گویش محلی معروف به آیخانه) بوده که ازنظر سرپرست هیئت مذکور، می‌تواند مهر تأییدی بر سکونت‌های خانوادگی حداقل در دورانی از زندگی گذشتهٔ قلعه باشد.

٤. ٢. ٦. حافظه، هویت و ارزش آموزشی[۲۲]

تأکید منشور برای این دسته ارزش‌ها، روی ارزش آموزشی استحکامات است که می‌توانند محیطی محرک و پرورش‌دهنده مرتبط با تجربهٔ فرهنگی میراث نظامی را فراهم کنند و همچنین موجب ایجاد یادگیری خاص و تجربه‌های شخصی برای افراد جامعه گردند. این دسته ارزش‌ها نیز برای همهٔ ساختارهای تاریخی دفاعی مثل قلعه‌رودخان پررنگ خواهند بود.

٤. ٢. ٧. ارزش تاریخی[۲۳]

در تعریف منشور برای این دسته از ارزش‌ها، نگرش‌ها و جهان‌بینی‌های خاص مربوط به دوره‌های توسعه و استفاده از اثر، مورد تأکید قرار گرفته است. نکتهٔ مهم اینکه، این ارزش‌ها را به یک دورهٔ خاص، مثلاً قدیمی‌ترین دورهٔ اثر، محدود و مشروط نمی‌کند. تأکید بر اینکه تمامی دوره‌های توسعه و استفادهٔ اثر، اطلاعات ارزشمندی از ساختار فکری و جهان‌بینی مردمان آن دوره‌ها را ارائه می‌کنند و به‌نوعی یادگاری نفیس از آن دورهٔ تاریخی برای آیندگان هستند. درخصوص قلعه‌رودخان نیز براساس مستندات در اختیار، می‌توان دوره‌های مختلفی از میانهٔ قرن شش (حکومت‌های محلی)، صفویه و زندیه را در این قلعه مورد واکاوی قرار داد.[۲۴]

٤. ٢. ٨. ارزش اجتماعی ـ اقتصادی[۲۵]

منشور این دسته از ارزش‌ها را محرکِ رشد اقتصادی جوامع و زمینه‌ساز شناخت ارزش‌های جدید دانسته و روش نیل به آن را نیز اقدامات توان‌بخشی مناسب ذکر نموده است. به نظر می‌رسد هنگامی که منشور از زمینه‌سازی شناخت ارزش‌های جدید در اثر صحبت می‌کند، فقط به رشد اقتصادی جوامع بومی نگاه نمی‌کند، بلکه هدف، آن است که این رونق اقتصادی در خدمت شناخت و حفاظت جامع‌تر اثر نیز قرار بگیرد. درخصوص قلعه‌رودخان این موضوع تاکنون چون بر مبنای اقدامات توان‌بخشی مناسب و کار مطالعاتی حساب‌شده، مدیریت و اجرا نشده و از وضعیت مناسبی برخوردار نبوده است، به‌طوری‌که ضمن تأثیرگذاری محوری مثبت بر وضعیت معیشت و رفاه اقتصادی جامعهٔ محلی، آسیب‌های جدی به عرصهٔ قلعه و حرایم تاریخی و طبیعی ارزشمند آن وارد نموده است.

۵. ارزیابی ارزش‌های قلعه‌رودخان از منظر ایکوفورت با معیارهای کنوانسیون میراث جهانی

۵. ۱. معیارهای کنوانسیون میراث جهانی

در دستورالعمل اجرایی کنوانسیون میراث جهانی، ارزش جهانی برجسته به این معناست که یک سایت دارای اهمیت فرهنگی و یا طبیعی جهانی، به‌قدری استثنایی است که از مرزهای ملی فراتر می‌رود و برای حضور و نسل‌های آیندهٔ کل بشریت از اهمیت برخوردار است. کمیتهٔ میراث جهانی، اثری را دارای ارزش‌های برجستهٔ جهانی می‌داند که ارزش‌های آن حداقل یکی از معیارهای جدول ۴ را توجیه کند.[۲۶]

جدول ۴: معیارهای کنوانسیون میراث جهانی (کنوانسیون میراث جهانی ۲۰۲۵)

معیارهای فرهنگی	معیار اول	نشان‌دهندهٔ یک شاهکار از نبوغ و خلاقیت انسانی
	معیار دوم	تبادل مهمی از ارزش‌های انسانی را در یک بازهٔ زمانی یا در یک منطقهٔ فرهنگی جهان، درزمینهٔ پیشرفت‌های معماری یا فناوری، هنرهای یادبود، شهرسازی یا طراحی منظر
	معیار سوم	گواهی منحصربه‌فرد یا حداقل استثنایی بر یک سنت فرهنگی یا تمدن زنده یا ازبین‌رفته
	معیار چهارم	نمونه‌ای برجسته از نوعی ساختمان، مجموعهٔ معماری، فناوری یا منظر که مرحله (یا مراحل) مهمی از تاریخ بشر را نشان دهد.
	معیار پنجم	نمونه‌ای برجسته از یک سکونتگاه سنتی انسانی، کاربری زمین یا کاربری دریا که نمایانگر یک فرهنگ (یا فرهنگ‌ها) یا تعامل انسان با محیط‌زیست باشد؛ به‌ویژه هنگامی که تحت‌تأثیر تغییرات برگشت‌ناپذیر آسیب‌پذیر شده باشد.
	معیار ششم	به‌طور مستقیم یا ملموس با رویدادها یا سنت‌های زندگی، با ایده‌ها یا با باورها، با آثار هنری و ادبی با اهمیت جهانی برجسته مرتبط باشد (این معیار ترجیحاً با سایر معیارها استفاده شود).
معیارهای طبیعی	معیار هفتم	شامل پدیده‌های طبیعی عالی یا مناطقی با زیبایی طبیعی استثنایی و اهمیت زیبایی‌شناختی.
	معیار هشتم	نمونه‌های برجسته‌ای باشند که مراحل اصلی تاریخ زمین را نشان می‌دهند، ازجمله سابقهٔ حیات، فرایندهای زمین‌شناسی مهم در حال انجام در توسعهٔ اشکال زمین، یا ویژگی‌های ژئومورفیک یا فیزیوگرافی مهم
	معیار نهم	نمونه‌های برجسته‌ای که فرایندهای زیست‌محیطی و زیستی مهم در حال انجام در تکامل و توسعهٔ اکوسیستم‌های زمینی، آب‌شیرین، ساحلی و دریایی و جوامع گیاهی و جانوری را نشان می‌دهند.
	معیار دهم	مهم‌ترین زیستگاه‌های طبیعی برای حفاظت از تنوع زیستی در محل، ازجمله زیستگاه‌هایی که حاوی گونه‌های در معرض خطر با ارزش جهانی برجسته از دیدگاه علم یا حفاظت.

۵. ۲. بررسی ارزش‌های برجستهٔ ساختارهای دفاعی تاریخی ثبت جهانی‌شده

برای احاطهٔ جامع‌تر بر چگونگی گزینش ارزش‌های برجسته در قلعه‌رودخان، بررسی ارزش‌های توجیه‌شدهٔ استحکامات دفاعی (قلعه‌ها) ثبت‌شده در فهرست میراث جهانی نیز انجام پذیرفت. در این راستا ۱۸ اثر مرتبط، در حد فاصل سال‌های ۱۹۷۹ تا ۲۰۲۵ بررسی شده است (جدول ۵). بیشترین معیار تأییدشدهٔ آثار مذکور به‌ترتیب معیارهای ۴، ۳، ۲، ۶ و ۱ هستند. مطالعهٔ ارزش‌های منتسب به قلاع فهرست مذکور، نشان از آن دارد که بیشترین ارزش‌های مد نظر، به‌نوعی مربوط به فناوری مهم در معماری در یک دورهٔ خاص بوده‌اند. پراکندگی مناسبی درخصوص ارزش‌ها و معیارهای فرهنگی شش‌گانه برای این آثار وجود داشته است. نقش متمایز این قلعه‌ها در دوره‌های تاریخی شاخص، مهم‌ترین عامل حضور این آثار در فهرست میراث جهانی است. گاهی این نقش سیاسی یا فرهنگی بوده و گاهی نیز یک نوآوری و به کمال رسیدن در هنر و معماری. نکتهٔ مهم دیگر اینکه در آثار دفاعی ثبت جهانی‌شدهٔ متأخر ، معیار شمارهٔ ۴ «نمونهٔ برجسته از نوعی ساختمان، مجموعهٔ معماری، فناوری یا منظر که مرحله (یا مراحل) مهمی از تاریخ بشر را نشان دهد» تقریباً برای تمامی آثار، مد نظر قرار گرفته و برای ۵ اثر نیز به‌عنوان تک‌معیار ارائه شده است. این موضوع نشان از اهمیت این معیار برای توجیه ارزش برجستهٔ جهانی ساختارهای تاریخی دفاعی است.

جدول ۵: ارزش‌های برجستهٔ قلعه‌ها و ساختارهای دفاعی تاریخی ثبت جهانی‌شده
(برگرفته از پایگاه دادهٔ مرکز میراث جهانی یونسکو[۲۷])

ردیف	نام اثر	کشور	سال ثبت اثر	معیارهای ثبت					
				I	II	III	IV	V	VI
۱	قلعه‌های ولتا و آکرا بزرگ	غنا	۱۹۷۹						√
۲	القلعهٔ بنی‌حماد	الجزایر	۱۹۸۰			√			
۳	قلعهٔ دورهام و کلیسای جامع	بریتانیا	۱۹۸۶		√	√			√
۴	قلعه‌ها و دیوارهای شهر پادشاه ادوارد	بریتانیا	۱۹۸۶	√		√	√		
۵	قلعهٔ دل مونته	ایتالیا	۱۹۹۶	√	√	√			
۶	قلعهٔ سن پدرودلا روکا، سانتیاگودکوبا	کوبا	۱۹۹۷				√	√	
۷	شهرقلعهٔ کاراکسون	فرانسه	۱۹۹۷		√		√		
۸	قلعهٔ توتونیک مالبورک	لهستان	۱۹۹۷		√	√	√		
۹	قلعهٔ‌لیتومیسل	چک	۱۹۹۹		√		√		
۱۰	قلعهٔ وارتبورگ	آلمان	۱۹۹۹			√			√
۱۱	مجموعه قلعهٔ میر	بلاروس	۲۰۰۰		√		√		
۱۲	قلعهٔ کرونبورگ	دانمارک	۲۰۰۰				√		
۱۳	قلعه، دیوار دفاعی و باروهای بلینزونا	سوئیس	۲۰۰۰				√		
۱۴	استحکامات و پادگان الواس	پرتغال	۲۰۱۲				√		
۱۵	ارگ اربیل	عراق	۲۰۱۴				√		
۱۶	قلعهٔ دیاربکر و باغ هفسل	ترکیه	۲۰۱۵				√		
۱۷	آثار دفاعی ونیزی قرن ۱۶ و ۱۷	کرواسی،ایتالیا، مونته‌نگرو	۲۰۱۷			√	√		
۱۸	مناظر نظامی مراتا هند	هند	۲۰۲۵				√		√

۵. ۳. ارزیابی ارزش‌های قلعه‌رودخان

در مراحل قبل پژوهش، ارزش‌های قلعه‌رودخان در قالب دسته‌بندی هشت‌گانهٔ منشور ایکوفورت، مورد بررسی و تحلیل و تبیین قرار گرفت. این ارزش‌ها در این بخش با معیارهای فرهنگی کنوانسیون میراث جهانی مطابقت داده شده است که نتیجهٔ آن به شرح ذیل ارائه می‌شود.

ارزش‌های دستهٔ اول: ارزش‌های فنی در سه سطح مکان‌یابی، استقرار و تیپولوژی معماری و فرم ساخت می‌تواند در قالب معیار یک (شاهکاری از نبوغ و خلاقیت انسانی)، معیار سوم (گواهی از یک تمدن شاخص ازمیان‌رفته)، معیار چهارم (نمونه‌ای برجسته از معماری و فناوری) و معیار پنجم (نمونهٔ بارز تعامل انسان با محیط طبیعی)، با درجهٔ تطابق بالا مطرح گردد.

ارزش‌های دستهٔ دوم: ارزش سرزمینی و جغرافیایی: این دسته از ارزش‌ها با توجه به ماهیت تعریف‌شده در ایکوفورت و نمود آن در قلعه‌رودخان، قابل اثبات نیستند و برای توجیه آن نیاز به مستندات بیشتر است.

ارزش‌های دستهٔ سوم: ارزش منظر فرهنگی می‌تواند در قالب معیار پنجم (تعامل انسان با محیط) با درجهٔ تطابق بالا و معیار ششم (سنت‌ها و عقاید)، با درجهٔ تطابق کم، مطرح گردند.

ارزش‌های دستهٔ چهارم: ارزش‌های راهبردی می‌توانند در قالب معیار یک (نبوغ و خلاقیت ویژه)، معیار سوم (گواه تمدن شاخص از میان رفته)، معیار چهارم (نمونه‌ای برجسته از معماری و فناوری) و معیار پنجم (نمونهٔ بارز تعامل انسان با محیط طبیعی) با درجهٔ تطابق بالا مطرح گردد.

ارزش‌های دستهٔ پنجم: ارزش انسانی و انسان‌شناختی می‌توانند در قالب معیار ششم (سنت‌ها، افکار و عقاید)، با درجهٔ تطابق کم مطرح گردند.

ارزش‌های دستهٔ ششم: حافظه، هویت و ارزش آموزشی می‌توانند در قالب معیار ششم (سنت‌ها، افکار و عقاید) با درجهٔ تطابق کم مطرح گردند.

ارزش‌های دستهٔ هفتم: ارزش تاریخی می‌تواند در قالب معیارهای دو، سه، چهار و شش با درجهٔ تطابق کم مطرح گردند.

ارزش‌های دستهٔ هشتم: ارزش اجتماعی ـ اقتصادی می‌تواند در قالب معیارهای پنجم (تعامل جامعه با اثر و بستر) و معیار ششم (سنت‌ها، افکار و عقاید) با درجهٔ تطابق کم مطرح گردند. در ادامه در جدول ۶ ارزش‌های قلعه‌رودخان براساس مطالب ارائه‌شده در بخش‌های ۴ و ۵ مورد ارزیابی و جمع‌بندی قرار گرفته است.

جدول ۶: تبیین ارزش‌های قلعه‌رودخان از منظر منشور ایکوفورت و ارزیابی با کنوانسیون میراث جهانی[۲۸]

ارزش‌های ایکوفورت	تبیین ارزش‌های قلعه‌رودخان از منظر ایکوفورت	ارزیابی: ارزش‌های فرهنگی کنوانسیون میراث جهانی ۱۹۷۲					
		معیار اول	معیار دوم	معیار سوم	معیار چهارم	معیار پنجم	معیار ششم
		شاهکاری از نبوغ و خلاقیت انسانی	پیشرفت معماری، فناوری، برنامه‌ریزی شهری و چشم‌انداز	گواه سنت فرهنگی یا تمدن زنده یا ازمیان‌رفته	نمونهٔ برجستهٔ معماری، فناوری، مرحلهٔ مهم تاریخ	نمونه‌ای بارز از تعامل انسان و محیط	سنت‌ها، افکار و عقاید، آثار هنری و ادبی اهمیت جهانی
ارزش معماری و فنی	ارزش‌های فنی در سه سطح مکان‌یابی، چگونگی استقرار قلعه در بستر و تیپولوژی معماری و فرم ساخت در قلعه‌رودخان قابل ارزیابی خواهد بود.	+++		+++	+++	+++	
ارزش سرزمینی و جغرافیایی	برای ساختارهای دفاعی تاریخی دیگری در قالب یک سیستم هماهنگ و منظم، شواهدی مبنی‌بر اینکه قلعه‌رودخان با قلعهٔ کل فومن و قلعهٔ لیسار تالش و شاید سایر قلاع منطقه، در قالب یک سیستم یکپارچه کار می‌کرده است، یافت نشده و براساس تعاریف ایکوفورت، این دسته ارزش‌ها در قلعه‌رودخان قابل اثبات نیست.						

ارزش منظر فرهنگی	ارزش منظر فرهنگی، امکان درک بهتر جنبهٔ ملموس و عملکردی استحکامات را فراهم می‌کند و ازجمله عناصر دیگر، احترام به محوطهٔ آن، نقش ساخت‌وساز نظامی برای اهداف دفاعی، موقعیت بصری و فیزیکی آن را در قلمرو اطراف در نظر می‌گیرد. ارزش هویتی هم در این بخش برای قلعه‌رودخان قابل توجیه است.				+++	+
ارزش راهبردی	قلعه‌رودخان به‌درستی، نمادی از آمیختگی علوم چندگانه و منعکس‌کنندهٔ قدرت تصمیم‌گیری، عمق دانش و همچنین انسجام اجتماعی گروه حاکم بر گیلان بیه‌پس است.	++	++		++	
ارزش‌انسانی و انسان‌شناختی	گروه‌های انسانی مختلفی در قلعه‌رودخان در گذر قرن‌ها و براثر درگیری‌ها و مناقشه‌های مختلف، دچار شکست‌ها و پیروزی‌های فراوان شده‌اند و درنتیجه این گونه آثار، حاوی اطلاعات ارزشمند انسان‌شناختی در دوره‌های مختلف هستند.					+
حافظه، هویت و ارزش آموزشی	قلعه‌رودخان با دارا بودن ارزش آموزشی، می‌تواند محیطی محرک و پرورش‌دهندهٔ مرتبط با تجربهٔ فرهنگی میراث نظامی را فراهم کند و موجب ایجاد یادگیری خاص و تجربه‌های شخصی برای افراد جامعه گردند.					+
ارزش تاریخی	قلعه‌رودخان با توجه به نگرش‌ها و جهان‌بینی‌های خاص تمامی دوره‌های توسعه و استفادهٔ خود، اطلاعات ارزشمندی از ساختار فکری و جهان‌بینی مردمان این دوره‌ها را ارائه می‌کند و به‌نوعی یادگاری نفیس از آن دورهٔ تاریخی برای آیندگان هستند.	+	+	+		+
ارزش اجتماعی ـ اقتصادی	در قلعه‌رودخان به‌رغم محرک رشد اقتصادی بودن منبع میراثی، کمبودِ اقدامات توان‌بخشی مناسب که زمینه‌ساز شناخت ارزش‌ها باشد، کاملاً محسوس است.				+	+

نتیجه

درنتیجهٔ آنچه در متن مرور گردید، به نظر می‌رسد مجموعهٔ تاریخی قلعه‌رودخان با قدمتی تقریباً هزارساله، توسط اسحاقوندیان به‌عنوان حاکمان محلی غرب گیلان برای محافظت در مقابل تهدیداتِ حاکمان محلی شرق گیلان، حکومت مرکزی و اسماعیلیان ساخته شده است. سازندگان قلعه در سه مقیاس مکان‌یابی، استقرار و معماری ضمن رعایت پدافند غیرعامل و رعایت الزامات طراحی یک فضای دفاعی نظامی، نیازهای ساکنان خود را نیز مرتفع نموده است. توجه و احترام به طبیعت در این مجموعهٔ تاریخی مشهود بوده و می‌توان گفت که طبیعت در راستای فلسفهٔ ایجاد این اثر، در استقرار و معماری قلعه تلفیق شده است. این مجموعه با وسعت فضایی قابل توجه در یک بستر مرتفع جنگلی با مسیرهای تند و شیب‌دار و در یکی از پربارش‌ترین و مرطوب‌ترین مناطق ایران به‌صورت بوم‌آورد و مصالحی برگرفته از بستر طبیعی اثر و در اختفای کامل و توسط معماران بومی منطقه با فرمی در تضاد با الگوهای معماری بومی که اساساً مبتنی‌بر چوب بوده، ساخته شده و به‌رغم گذشت حدود هزار سال همچنان پابرجا و استوار است.

برای دسته‌بندی، شناخت و تبیین ارزش‌های قلعه‌رودخان، چهارچوب ارائه‌شدهٔ منشور ایکوفورت مورد استناد قرار گرفت. در ادامه برای ارزیابی ارزش‌های تبیین‌شده، به معیارهای فرهنگی کنوانسیون میراث جهانی استناد گردید. براساس پژوهش انجام‌شده مشخص گردید ارزش‌های معماری و فنی، در قالب معیارهای ۱، ۳، ۴ و ۵ و ارزش‌های منظر فرهنگی، در قالب معیار ۵ و ۶ کنوانسیون میراث جهانی با درجهٔ تطابق بالا در قلعه‌رودخان قابل توجیه خواهند بود. همچنین ارزش‌های راهبردی، در قالب معیارهای ۱، ۳ و ۵ با درجهٔ تطابق متوسط، می‌توانند مطرح شوند. ارزش‌های سرزمینی و جغرافیایی، با توجه به تعریف ایکوفورت از این نوع ارزش‌ها (چندین ساختار دفاعی تاریخی در قالب یک سیستم هماهنگ و منظم)، نیاز به بررسی و مطالعات جامع‌تر دارد.

ارزش انسانی و انسان‌شناختی در قالب معیار ۶ و ارزش‌های حافظه، هویت و آموزشی در قالب معیار ۶، ارزش تاریخی در قالب معیارهای ۲، ۳، ۴ و ۶ و ارزش‌های اجتماعی و اقتصادی در قالب معیار ۵ و ۶ می‌توانند با درجهٔ تطابق کم مطرح گردند. به عبارت دیگر، این دسته از ارزش‌ها به‌رغم برجسته بودن در مقیاس ملی و منطقه‌ای، نمی‌توانند به‌عنوان ارزش برجستهٔ جهانی مطرح گردند.

لازم به تأکید است که ثبت یک اثر در فهرست میراث جهانی علاوه‌بر داشتن ارزش برجستهٔ جهانی[۲۹] نیازمند رعایت اصالت[۳۰] و تمامیت[۳۱] و وجود نظام مدیریتی و حفاظتی مؤثر است. در موضوع ارزش‌ها نیز نکتهٔ مهم، کفایت یک معیار توجیه‌شده برای ثبت جهانی اثر است؛ البته معیار ششم از این قاعده مستثنی بوده و باید با حداقل یک معیار دیگر همراه باشد.

این اثر تاریخی و بستر پیرامون آن از ظرفیت‌های بالقوه ارزشمندی برای انجام فعالیت‌های پژوهشی و آموزشی در محورهای مختلف برخوردار است. برای ارزیابی و تأمین الزامات ثبت جهانی اثر، سه مقولهٔ مهم اصالت، تمامیت و پلان جامع حفاظت و مدیریت آن می‌تواند مورد توجه ویژهٔ پژوهشگران قرار گیرند.

پی‌نوشت‌ها

1. Abbé Henri Grégoire
2. OUV: Outstanding Universal Value
3. Doo-Won Cho
4. Rudnicka-Bogusz
5. Klupsz

۶. پروندهٔ ثبتی اثر.

۷. کتاب *تاریخ گیلان* عبدالفتاح تنها منبع مهم باقی‌مانده از تاریخ‌نویسان محلی گیلانِ بیه‌پسِ قدیم است که تاریخ این بخش از گیلان را از سال‌های ۹۲۳ تا ۱۰۳۹ هجری قمری، یعنی تا پایان شورش عادل‌شاه و حتی اندکی پس از آن در گیلان بیه‌پس (غربی) را در بر می‌گیرد. همچنین تقریباً تنها منبع مستند و معتبر تاریخ گیلان در دورهٔ ۴۲سالهٔ حکومت شاه‌عباس اول و به‌ویژه شورش عادل‌شاه است. عبدالفتاح در تمام دورهٔ شاه‌عباس اول در گیلان و در بیه‌پس حضور داشته و از نزدیک، تحولات گیلان را دیده است. با توجه به مسئولیتی که در دربار اسحاقوندیان به او واگذار شده بود، ناظر و ثبت‌کنندهٔ تحولات این دوره بوده است. اما همان‌طور که در متن اشاره شد، درخصوص قلعه‌رودخان به‌رغم اهمیتی که برای این خاندان داشته، فقط به دو اشارهٔ دور به قلعه‌رودخان اکتفا می‌کند.

۸. یاسینت لویی رابینو (Rabino Louis Hyacinth)، نایب‌کنسول بریتانیا در رشت در اوایل قرن بیستم، با انجام سفرهای پژوهشی و مطالعات میدانی گسترده در گیلان، مستندات ارزشمندی از وضعیت جغرافیایی، معماری و ساختارهای دفاعی منطقه بر جای گذاشته است. گزارش‌های وی یکی از منابع دست‌اول و کلیدی برای بازشناسی وضعیت تاریخی و اهمیت دفاعیِ مجموعهٔ قلعه‌رودخان محسوب می‌شود. کتاب *ولایات دارالمرز* رابینو به‌نوعی اولین متن در کتب تاریخی است که مستقیماً به قلعه‌رودخان اشاره می‌کند و بخش‌های مهمی از آن را توصیف می‌کند.

۹. از آثار مهمی که در این بررسی باستان‌شناسی مورد بررسی و شناسایی قرار گرفت، غار تاریخی تاوه لاس، محوطهٔ اطراف پدیدهٔ طبیعی شمشیرزن، محوطهٔ باستانی دایله سر، گورستان باستانی میان درون، گورستان باستانی گیلان دشت و محوطهٔ استقراری و گورستانی مته‌خانی اشاره کرد.

۱۰. در آرشیو اداره‌کل میراث‌فرهنگی گیلان، گزارش کاوش قلعهٔ لیسار یافت نشد، لیکن در سخنرانی سید مهدی میرصالحی ، معاون هیئت اولین کاوش قلعه‌رودخان در سال ۱۳۷۹ که در کاوش قلعهٔ لیسار نیز حضور داشته، به دوره‌شناسی سکهٔ مذکور و تعمیم آن برای دوره‌شناسی تاریخی قلعه‌رودخان تأکید گردید.

۱۱. نمونه‌های ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸ و ۹ در محدودهٔ زمانی حدود ۷۹۰ تا ۸۲۰ سال پیش، با توجه به محدودهٔ خطا در این نتایج می‌توان آن‌ها را مربوط به یک دوره ساخت (یا مرمت) بنا دانست. همچنین این نمونه‌ها به‌نوعی قدیم‌ترین نمونه‌های سال‌یابی‌شده از قلعه هستند. چهار نمونهٔ اول مربوط به آب‌انبار در بخش غربی قلعه است. براساس این نمونه‌ها، از میانهٔ قرن ۶ تا میانهٔ قرن ۷ هجری، قدیمی‌ترین دورهٔ مستند قلعه تاکنون است.

12. International Scientific Committee on Fortifications and Military Heritage

۱۳. در سیزدهمین مجمع عمومی ایکوموس در سال ۲۰۰۲ میلادی در مادرید، حفاظت «میراث نظامی» مورد تأکید قرار گرفت. اساس‌نامهٔ کمیتهٔ علمی بین‌المللی ایکوموس در استحکامات دفاعی و میراث نظامی با نام اختصاری ایکوفورت (ICOFORT) در سال ۲۰۰۵ میلادی توسط ایکوموس، در پاریس به تصویب رسید. منشور ایکوفورت با موضوع استحکامات دفاعی تاریخی، دستورالعمل‌هایی برای نگهداری، حفاظت و تفسیر این گونه آثار، پس از ارائهٔ ۴ نسخهٔ پیش‌نویس تا سال ۲۰۱۹، سرانجام نسخهٔ نهایی آن در سال ۲۰۲۱ تدوین و برای اجرا به کشورهای عضو ابلاغ گردید.

۱۴. در منشور تأکید شده «کشف ارزش‌ها توسط یک تیم توانمند فنی، اهمیت حیاتی دارد و اولین گام روش‌شناختی در یک مداخله است. این تیم باید چندرشته‌ای باشد و حداقل از متخصصان تاریخ نظامی، معماری، تاریخ هنر، باستان‌شناسی و تفسیر منظر تشکیل شده باشد. رهنمودهای تولیدشده توسط این کارهای مقدماتی باید در پروژه‌های مداخله رعایت شود و این تیم باید نظارت، توسعه و اجرای مداخله را در فرایند همراهی کند».

15. Architectural/Technical value

۱۶. *آداب الحرب و الشجاعه*، از متون مشهور نیمهٔ اول قرن هفتم و نوشتهٔ فخر مدبّر است. این کتاب از جهات گوناگون در میان متون فارسی ممتاز و حائز اهمیت است؛ ازجمله آنکه در موضوع خود (آیین کشورداری و سپاهیگری، اسب‌شناسی و تعریف و توصیف ابزار جنگی) در میان آثار پیش از دورهٔ مغول، منبعی کم‌نظیر است. بسیاری از اسامی آلات جنگ و طرز تعبیه و آرایش لشکر و شیوه‌های مقابله و رویارویی با دشمن در این کتاب آمده است.

17. Territorial/Geographical Value

18. Cultural Landscape Value

19. Strategic Value

20.Human/Anthropological

۲۱. اولین فعالیت باستان‌شناسی قلعه‌رودخان در زمستان ۱۳۷۸ به سرپرستی زنده‌یاد صدر کبیر با تمرکز بر بخش میانی قلعه انجام پذیرفت. تنها اثر کامل مکشوفهٔ این کاوش یک وسیلهٔ بازی بچه (آفغانه) بود. کشف وسیلهٔ بازی نوزاد حاکی از حضور مادر و خانواده در این قلعه در گذشته بود. به نظر می‌رسد خانوادهٔ مذکور احتمالاً خانوادهٔ عادی نیست و مربوط به سطوح بالای حکومت‌های ملوک‌الطوایفی بوده است (برگرفته از صحبت‌های آقای میرصالحی، معاون هیئت باستان‌شناسی مذکور، در نشست کهن دژ سکسار، ۱۲ آبان ۱۳۹۹، پژوهشکدهٔ گیلان‌شناسی).

22. Memory/Identity/Educational Value

23. Historic value

۲۴. نکتهٔ مهم دیگر اینکه ما در گیلان به‌دلیل شرایط اقلیمی با وجود رطوبت و بارش فراوان به‌عنوان یکی از عوامل مهم مخل در معماری سنتی، با آثار تاریخی کمی که دارای قدمت بیش از دویست تا سیصد سال باشند، مواجهیم. بنابراین مجموعهٔ قلعه‌رودخان با قدمتی حداقل ۹۰۰ساله در اقلیم گیلان از این منظر دارای ارزش تاریخی است.

25. Social/Economic Value

۲۶. آثار پیشنهادی برای ثبت جهانی علاوه‌بر واجد ارزش بودن، باید از شرایط سلامت و اصالت نیز برخوردار و برای نگاهبانی از اثر دارای نظام حفاظتی و مدیریتی کافی نیز باشند.

27. UNESCO World Heritage Centre

۲۸. شایان ذکر است با توجه به اینکه یک دسته ارزش‌ها می‌تواند دارای درجات و کیفیت های متفاوتی در بناهای مختلف باشد، در جدول فوق میزان توجیه یک ارزش به‌عنوان ارزش برجستهٔ جهانی با سه درجه میزان تطابق کم (+)، میزان تطابق متوسط (++) و میزان تطابق زیاد (+++) تفکیک شده است.

29. OUV: Outstanding Universal Value

30. Authenticity

31. Integrity

منابع

- اصغریان جدی، مرتضی. ۱۳۹۳. *بازشناسی معماری قلعه‌رودخان از منظر پدافند غیرعامل*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
- بهادری، رؤیا، و فرانک بحرالعلومی. ۱۳۹۳. شناسایی و سال‌یابی مواد و ساخت‌مایهٔ برخی از بناهای تاریخی استان‌های آذربایجان غربی، گیلان و تهران. فصلنامهٔ علمی *اثر*. ۳۵ (۶۵): ۲۳ـ۳۲.
- پارسی، فرامرز. ۱۳۸۳. قلعه‌رودخان. مجلهٔ *معمار*، ش. ۲۸: ۱۳۴.
- *حدود العالم من المشرق الی المغرب*. ۱۳۶۲. تصحیح منوچهر ستوده. تهران: طهوری.
- جهانی، ولی. ۱۳۸۹. گزارش گمانه‌زنی به‌منظور تعیین حریم قلعه‌رودخان. ادارهٔ میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی گیلان.
- رامین، شهرام. ۱۳۸۶. پژوهش‌های باستان‌شناسی در قلعه‌رودخان، موسسه پیشین پژوه.
- رامین، شهرام. ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴. گزارش سه فصل گمانه‌زنی و پیگردی قلعه‌رودخان. ادارهٔ میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی گیلان.
- رابینو. ۱۳۵۰. *ولایت دارالمرز ایران*. ترجمهٔ جعفر خمامی‌زاده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- زانیچ خواه، پارمیس، و علیرضا رازقی. ۱۴۰۱. جایگاه ارزش های میراث نظامی در حفاظت و گردشگری مجموعهٔ قزاقخانه و میدان مشق تهران از دیدگاه دانشجویان دانشگاه هنر در پردیس باغ ملی. *گردشگری و توسعه* ۱۱ (۲): ۳۵۳ـ۳۷۳.
- زانیچ‌خواه، پارمیس. ۱۴۰۱. ارزش‌های ملموس و ناملموس در میراث نظامی شهری؛ *موردپژوهی: حفاظت از ارزش‌های پادگان ۰۶ در باغ تاریخی سلطنت‌آباد تهران*. رسالهٔ دکتری تخصصی در رشتهٔ مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی. دانشکدهٔ حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر، تهران، ایران.
- زانیچ‌خواه، پارمیس، و علیرضا رازقی. ۱۴۰۴. تحلیل تجارب مداخلات حفاظت در میراث نظامی برمبنای معیارهای ایکوفورت و ایکوموس؛ بررسی موردی: ۲۶ تجربهٔ بین‌المللی. فصلنامهٔ علمی *نامهٔ معماری و شهرسازی* ۱۷ (۴۷)، ۸۸ـ۱۲۸.
- ستوده، منوچهر. ۱۳۴۹. *از آستارا تا استارآباد*. تهران: انجمن آثار ملی.
- صدر کبیر، رضا. ۱۳۷۹. *گزارش گمانه‌زنی و پیگردی قلعه‌رودخان*. ادارهٔ میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گیلان.
- صادقی‌نژاد مقدم، آذر. ۱۳۸۷. *بزرگ‌ترین دژ گیلان، تاریخچه و معماری*. تهران: گنجینهٔ هنر.
- فومنی گیلانی، عبدالفتاح. ۱۳۴۹. *تاریخ گیلان*. تصحیح منوچهر ستوده. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- فخر مدبر، محمد بن منصور بن سعید. ۱۳۴۶. *آداب الحرب و الشجاعه*. تصحیح احمد سهیلی خوانساری. تهران: اقبال.
- غوریانی، مهتاب، ندا صحراگرد منفرد و سید عباس یزدانفر. ۱۴۰۲. گونه‌شناسی معماری قلعه‌های تاریخی مسکون ایران. *مطالعات معماری ایران* ۱۴ (۲۸): ۲۹ـ۶۳.
- مقری، علی‌اصغر. ۱۳۸۳. نگاهی به معماری قلعه‌رودخان. مجموعه *مقالات دومین کنگرهٔ تاریخ معماری و شهرسازی ایرانی: ارگ بم ـ کرمان*.
- مهندسین مشاور عرصه. ۱۳۸۳. *مطالعات کالبدی، آسیب‌شناسی و طرح احیای قلعه‌رودخان*. کارفرما: ادارهٔ میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گیلان.
- میرابوالقاسمی، محمدتقی. ۱۳۳۳. *سرزمین و مردم گیل و دیلم*. رشت: طاعتی.
- یوکیلهتو، یوکا. ۱۳۸۷. *تاریخ حفاظت معماری*. ترجمهٔ محمدحسن طالبیان و خشایار بهاری. تهران: روزنه.
- Doo-Won Cho. 2024. *Value-based studies relating to the ICOMOS Guidelines on Fortifications and Military Heritage*.
- Klupsz. 2008. *The Places Heritage Military the of Spirit*.
- ICOMOS. (2021). *ICOMOS guidelines on fortifications and military heritage* (Document No. GA 2021 6-1).

- Rima Hooja, Shikha Jain. 2015. *Conserving Fortified Heritage*: *The Proceedings of the* 1*st International Conference on Fortifications and World Heritage*, New Delhi.
- Rudnicka-Bogusz. 2022. *The Genius loci Issue in the Revalorization of Post-Military Complexes*: *Selected Case Studies in Legnica*) *Poland*.)

Assessing the Values of Rudkhan Castle as World Heritage from the Perspective of the ICOFORT Charter and the Operational Guidelines for the Implementation of the World Heritage Convention

Aboozar Janalipoor
Ph.D. Candidate, College of Fine Arts, University of Tehran

Pirouz Hanachi
Professor, College of Fine Arts, University of Tehran

Mohammad-Hassan Talebian
Professor, College of Fine Arts, University of Tehran

Assessing and evaluating values are fundamental concepts in cultural heritage conservation that have continually evolved within a developmental context, yet no unified framework has been established to define them comprehensively. Rudkhan Castle, one of the country's prominent historic complexes, has not been recognized commensurate with its status; consequently, its values have not been systematically identified or appraised. This study investigates and evaluates the values of Rudkhan Castle from the perspective of the ICOFORT Charter and the Operational Guidelines for the Implementation of the World Heritage Convention. It asks which specific values of Rudkhan Castle emerge within the framework of the ICOFORT Charter's eight criteria, and to what extent these values align with UNESCO's World Heritage cultural criteria and can be proposed as Outstanding Universal Value (OUV). This research uses a qualitative approach, employing an interpretive-historical method and logical argumentation based on archival and documentary studies.

Findings from mapping the eight value layers of ICOFORT onto the World Heritage cultural criteria demonstrate that the "architectural and technical values" of Rudkhan Castle exhibit the highest degree of correspondence with Criteria (i), (iii), (iv), and (v) of the World Heritage Convention, and the "cultural landscape value" also holds high potential for articulation in relation to Criterion (v). Meanwhile, "strategic values" align at a moderate level with Criteria (i), (iii), and (v), while "human-anthropological," "memory and identity," "historical," and "socio-economic" values are justifiable primarily at national and regional scales. Consequently, Rudkhan Castle's outstanding attributes meet the requirements for nomination to the World Heritage List, anchored in the integration of technological values, defensive ingenuity, and organic interaction with the natural setting.

Keywords: Rudkhan Castle, ICOFORT Charter, Outstanding Universal Value (OUV), World Heritage.

JIAS

Journal of Iranian Architecture Studies

University of Kashan
School of Architecture and Art

29

Vol. 29, Spring and Summer 2026
E-ISSN: 2676-5020

- **Historiography of the Architecture of Masjed-e Jāme' (Grand Mosque) of Amol and Its Relationship with the City in the Early Centuries after the Hijrah**
  Zatollah Nikzad
- **Redefinition of the Qaysariyyah Area in the Bazaar of Kashan and the Formation of a New Urban Center in the Second Half of the Qajar Period**
  Yasaman Safian, Hamidreza Jayhani, Seyed Mahmood Sadat Bidgoli
- **Assessing the Values of Rudkhan Castle as World Heritage from the Perspective of the ICOFORT Charter and the Operational Guidelines for the Implementation of the World Heritage Convention**
  Aboozar Janalipoor, Pirouz Hanachi, Mohammad-Hassan Talebian
- **Enhancement of Lateral Stability Threshold of Barrel Vault Supported by Walls**
  Farzin Izadpanah
- **Evaluation of the Performance of Brick Lattice Screens in Controlling Solar Radiation and Daylight in the Hot and Semi-Arid Climate of Dezful**
  Kolsoom Kamkar, Kourosh Momeni, Akbar Mousaeijoo
- **From Royal Garden to Urban Square: The Emergence of the Mahjar and the Reconfiguration of the Iranian Cityscape in the Late Naseri Era**
  Kaveh Rashidzadeh, Golnar Hekmat
- **Classification and Algorithmic Analysis of Articulation Types in Historical Iranian Girih Patterns**
  Mahdi Azizi Hamedani, Mojtaba Sabetfard
- **Conceptual Dimensions and Characteristics of Abductive Reasoning in Design Practice**
  Ali Qoreishvandi Abraki, Ali Alai, Keivan Jourabchi, Saeid Norouzian Maleki
- **The Role of Spatial Configuration in Creating Sociability in Social-Scale Shopping Centers in Isfahan**
  Maryam Gorouhi, Narges Dehghan, Mansoureh Kianersi, Somayeh Rafiei
- **Pragmatic Evaluation: An Opportunity to Reform Policies and Practices in Targeted Areas (Concrete Case: National Regeneration Policy in Iran)**
  Morteza Hadi Jaberi Moghaddam, Shima Saghandali
- **From Eventification to Characterization of Memorial Museums**
  Faezeh Tafreshi, Manoochehr Moazzami, Nicholas Wise
- **The Effect of Removing Old-Growth Trees in the Architecture of Ilam's Streets on Pedestrian Thermal Comfort Changes Based on Computational Fluid Dynamics (CFD)**
  Karen Fatahi, Nasrin Siavash